

جهان شهرها: پدیده‌های نوین در روابط بین‌الملل

قاسم محب‌علی^۱

چکیده: طی دهه‌های اخیر، روابط بین‌المللی شاهد تحولات شگرفی بوده است. از درون جهان دوقطبی، روندهایی شکل گرفت و جریان یافت که سرانجام همه عرصه‌های زندگی انسانی و از جمله مناسبات بین‌المللی را دستخوش تغییر و تحول کرد. چهار جریان عمده، روندهایی را شکل دادند که به عصرهای ناسیونالیسم و بین‌المللی‌گرایی که در سراسر قرن بیستم دولت‌ها و کشورها را به خود مشغول داشته بود پایان داد و روند بزرگ جدیدی را باعث شدند که امروزه جهانی شدن خوانده می‌شود. روند جهانی شدن منجر به خلق انبوه بازیگران جدیدی در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای شده است. از جمله پدیده‌های در حال شکل‌گیری در این دوره از تاریخ انسانی، ارتقای برخی از کلان‌شهرهای ملی به کلان‌شهرهای جهانی و یا شهرهای جهانی و نهایتاً جهان‌شهرها می‌باشد. اگرچه جهان‌شهرها خود از جمله زیرمجموعه‌های جهانی شدن و روندهای چهارگانه آن می‌باشد اما جهان‌شهرها به تدریج به بازیگرانی مؤثر در روند جهانی شدن و مناسبات بین‌المللی تبدیل شده‌اند. این شهرها هم در حوزه ملی و هم در حوزه جهانی در حال اثرگذاری بر روند زمامداری‌های ملی و جهانی هستند. واژگان کلیدی: جمعیت، شهر، اقتصاد، جهانی شدن، رشد، تولید، شبکه، علم، زمامداری، جهان‌شهر.

در جهان باستان و به ویژه در تمدن یونان قدیم و تمدن‌های حاشیه دریای مدیترانه، دولت‌شهرهای خودمختار دارای مناسباتی فراسرزمینی با شهرها و جوامع دیگر بودند. از جمله آن که آنان روابط تجاری، فرهنگی و اجتماعی مستقیمی با بسیاری از شهرها و جوامع انسانی دور و نزدیک برقرار کرده بودند. اما همزمان با تشکیل امپراطوری‌ها، حکومت‌های پادشاهی و متعاقب آن‌ها دولت-ملت‌ها، دولت‌شهرها نقش‌های فرا سرزمینی و فراملی خویش را به حکومت‌های امپراطوری و دولت‌های ملی واگذار کردند. اگرچه همواره این شهرها بودند که مراکز سیاسی، تجاری و فرهنگی و

۱. آقای قاسم محب‌علی، کارشناس ارشد مسائل سیاسی، mohammadghasem@gmail.com

دینی در درون آن‌ها شکل گرفته و توسعه می‌یافت. در این دوران‌ها پایتخت‌ها غالباً نقش اساسی و تعیین‌کننده در مناسبات خارجی بازی می‌کردند. با این حال، شهرهای مذهبی و یا بندری و یا قرار گرفته در سر راه‌های عبوری و تجاری در مناسبات فراملی واجد اهمیت بودند. برخلاف روستاها که گرایش به انزوا داشته‌اند، شهرها همواره و دائماً با فضای محیطی در پیرامون خویش در ارتباط بوده و در آن فضای محیطی تنفس و زندگی کرده‌اند. نقش مهم شهرها در ایجاد تحول، هنگام پایان‌بخشیدن به اروپای دوران قرون وسطی نیز بسیار شاخص است. در نتیجه برقراری رابطه تجاری فیما بین تعدادی از شهرهای ایتالیایی، مانند ونیز، فلورانس و جنوا با جهان شرق و تمدن‌های اسلامی و آسیایی، علم، فلسفه، هنر و تکنولوژی، بازتولد یافته و رسوخ مفاهیم و اندیشه‌های جدید به درون سرزمین تحت‌سلطه کلیسا، موجب پدیداری رنسانس و پیدایی اروپای قرون جدید گردید. تحولی که آثار شگرفی را در پی آورد.

اصطلاح «تمدن» یک واژه برگرفته‌شده از زبان عربی و هم ریشه «مدینه» به معنای شهر است. اما عرب‌زبانان خود از واژه «حضاره» که دارای ریشه لغوی متفاوت است استفاده می‌کنند. در واقع، واژه تمدن و متمدن در زبان فارسی مترادف همتای لاتین خویش Civilization و Civilized به معنای شهریت و شهرنشین می‌باشد. به عبارت دیگر، شکل‌گیری تمدن‌ها رابطه مستقیمی با شهرنشینی، شکل‌گیری و توسعه شهرها و جوامع شهری داشته و این شهرها بوده‌اند که مهد تمدن‌ها بوده و در کانون‌های شهری، علم، تکنولوژی، فرهنگ و غالب آن چیزهایی که محصول خلاقیت و نبوغ بشر بوده، ابداع شده و رواج یافته‌اند. شهرها در قرون اخیر که با تأسیس دولت-ملت‌ها، دولت‌های مرکزی قوی، تمام‌عیار و مسلط به تمامی مجاری ورودی و خروجی جوامع شکل گرفت، نقش‌های پیشین خویش را در عرصه‌های مبادلات فراملی و فرامرزی به دولت‌ها و حاکمیت‌های ملی، اعم از انتخابی و یا غیرانتخابی واگذار کردند. شهرها و به‌ویژه کلان‌شهرها اگرچه بازیگری عمده در تحولات داخلی بودند اما در سیاست خارجی کمتر شهری دارای نقشی مستقل از دولت و حاکمیت ملی و به عبارت دولت-ملت‌ها بود. اما از دوران جوامع صنعتی نوین به تدریج شهرهایی رو به رشد و توسعه نهادند که در نهایت، نقش‌هایی مستقل از کشور متبوعه، اما کمابیش در راستا و در امتداد دولت‌ها برای خویش دست‌وپا کردند. این شهرها بعداً پایه‌گذار شکل‌گیری پدیده‌های نوینی بودند که امروزه آن‌ها را جهان‌شهرها و یا شهرهای جهانی می‌خوانند.

طی دهه‌های اخیر، جامعه بین‌المللی دستخوش تحولات بنیادین و چشمگیر شده است. تحولات مزبور همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را در بر گرفته است. انقلاب تکنولوژی، شکل‌گیری ارتباطات جهانی، جهانی‌شدن تجارت و اقتصاد، شکل‌گیری رسانه‌های جهانی، ارتقا و گسترده‌شدن نهادهای بین‌المللی-منطقه‌ای، ورود بازیگران غیردولتی به عرصه‌های روابط فراملی، وقوع انقلاب‌های تأثیرگذار، فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و پایان بین‌المللی‌گرایی مارکسیسم-لنینیسم که نزدیک به یک‌صد سال جهان را به خود مشغول داشته بود و حوادث تأثیرگذاری مانند حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و برکناری رژیم‌های طالبان در افغانستان و صدام حسین در عراق و نهایتاً شکل‌گیری شبکه جهانی ارتباطات و جامعه شبکه‌ای، پایان اقتصاد فوردیسم و انتقال به اقتصاد پسا فوردیسم ما را با جهانی متفاوت از پیش روبه‌رو ساخته است. قدرت‌هایی در جهان سر بر آورده‌اند و در آسیا اقتصادهایی پدیدار شده‌اند که پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که در آینده پیش‌رو، جوامع آسیایی جایگزین جوامع اروپایی به لحاظ قدرت اقتصادی و ثروت خواهند شد. تحولاتی که حاصل فرآیند روندهای چهارگانه، اقتصادی، زمامداری، انسانی و تکنولوژیک می‌باشد. از جمله محصولات تحولات جدید شکل‌گیری شهرهایی عظیم از نظر جمعیت، اقتصاد مالی، تولیدی و یا خدماتی و... با کارکردهای فراملی، منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. جهان‌شهرها و شهرهایی که مراکز مبادلات نقل و انتقال کالا، علم و فرهنگ، تکنولوژی، منابع پولی و مالی و تجمع انسانی به خود اختصاص خواهند داد. شهرهایی مثل سنگاپور، دوحه، دبی، استانبول، توکیو، پاریس، لندن و نیویورک، درعین حال که متعلق به کشورشان هستند اما از جنبه‌های مختلف شناخته‌شده‌تر از کشورشان بوده و بعضاً دارای موقعیتی برجسته‌تر از کشور متبوعشان در ارتباطات فراملی هستند. ارتباط بین جهانی‌شدن و پدیدارشدن شهرهای جهانی و جهان‌شهرها ارتباطی بسیار جدی و پیچیده است. جغرافی‌دانان شهری و جامعه‌شناسان، طی ۳۰ سال گذشته تلاش زیادی را برای تبیین چرایی و چگونگی این قضیه صورت داده‌اند. کلارک^۱ در سال ۱۹۹۶، پیتر هال^۲ در سال ۱۹۸۴، پیتر تیلور^۳ در سال ۱۹۹۵، نینجمن^۴ در سال ۲۰۰۰، ساسکیا

-
1. David Clark
 2. Peter Hall
 3. Peter Taylor
 4. Ninjamen

ساسن^۱ در سال ۱۹۹۱، رنه شورت و کیم^۲ در سال ۱۹۹۹، رابینسون و سامرس^۳ در سال ۲۰۰۲، از پیشگامان و واضعان این مسئله هستند. این اجماع وجود دارد که در پیامد تحولات جدید در عرصه جهانی، شهر و شهرنشینی از نظر پویایی و ساختاری دچار تحول جدی شده است. شهرهای بسیار مهمی پیدا شده‌اند که هدایت و کنترل روندهای اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی را در اختیار گرفته‌اند. این شهرها، شهرهای جهانی و جهان‌شهرها نام گرفته‌اند. شهرهای جهانی با انباشتگی سرمایه، مدیریت اقتصاد جهانی، مراکز شرکت‌های بزرگ فراملیتی، مراکز مهم حمل‌ونقل و ارتباطات، عرصه‌های قطب‌بندی‌های اجتماعی و مقصد مهاجران داخلی و بین‌المللی شناخته می‌شوند.^(۱)

شکل‌گیری این شهرها موجب تحولاتی در مناسبات بین‌المللی و همین‌طور جایگاه کشورها و شهرها خواهد شد. شهرها و جوامعی که از چرخه جهانی‌شدن بازمی‌مانند، به شهرها و جوامع حاشیه‌ای و نیمه‌حاشیه‌ای مبدل خواهند گشت. شهرهای مرکزی و شهرهای اقماری که تاکنون در سطوح جغرافیایی کشورها شکل می‌گرفته‌اند به سطوح منطقه‌ای و جهانی منتقل خواهند گشت. جهان‌شهرهایی که قطب‌های جاذب انسانی، مالی و ثروت و رفاه می‌باشند و با یکدیگر و سایر شهرها در حال رقابت و ارتباط متقابل خواهند بود. این وضعیت جدید، ژئوپلیتیک جدیدی را پدید خواهد آورد که موجب تغییرات و تحولات بسیاری در موقعیت دولت-ملت‌ها و مناسبات بین‌المللی خواهد شد. اداره روابط گسترده و در هم تنیده بین ملت‌ها و جوامع انسانی به مدیریتی جهانی و بین‌المللی نیازمند گشته و یا خواهد گشت. با به فراموشی سپرده‌شدن ایده‌های کهنه در خصوص دولت و حکومت جهانی، زمامداری مشارکتی جهانی، شبکه‌های ارتباطی گوناگون را مدیریت خواهد کرد. دولت‌های ملی در فرآیندهای برقراری امنیت، نظام حقوقی، ارزشی و عمومی جهانی واجد نقش‌های نوینی خواهند شد. چشم‌اندازی برای رقیق‌شدن و یا حداقل لطیف‌شدن مرزهای سیاسی و جغرافیایی پدیدار شده است که پایانی بر دولت-ملت‌های خودمختار و جوامع بسته، خواهد بود. دولت‌های آتی، دولت‌هایی خواهند بود که به دلیل درهم‌تنیدگی فرآیندهای داخلی و خارجی، در چارچوب قواعد و نرم‌ها و ارزش‌هایی حکومت و رفتار می‌نمایند که همچون قواعد

1. Saskia Sassen
2. Rene Short & Kim
3. Robinson & Samers

امروزین تجارت، مخابرات، هواپیمایی، ورزش و... حاصل توافقات و تفاهمات جامعه جهانی و بین جوامع خواهد بود. تقسیم وظایف و یا تقسیم کار فیما بین دولت‌های ملی و مدیریت‌های شهری، شهرهای جهانی و جهان‌شهرها از جمله موضوعات قابل‌بحث و مناقشه‌آمیز در آینده روابط بین‌المللی می‌باشند.

«در جمهوری اسلامی ایران نیز، موضوع جهانی‌شدن شهرها، در سال‌های اخیر مورد توجه دستگاه و کارشناسان ایرانی قرار گرفته است. در طرح مصوب اخیر جامع شهر تهران، ارتقای کلان‌شهر تهران به شهری هوشمند، دانش‌پایه و جهانی از جمله اهداف توسعه این شهر و اجرای طرح جامع قرار گرفته است. ضرورتاً، تحقق این امر مستلزم ایجاد مناسبات فراملی برای شهر تهران و نهادهای شهری آن می‌باشد»^(۱)

در این نوشته تلاش می‌شود که جایگاه این پدیده نوین در مناسبات بین‌المللی و بین‌کشوری بررسی شده و به این سؤال پاسخ داده شود که شکل‌گیری جهان‌شهرها با مناسبات فراملی چه تأثیری در جایگاه و نقش دولت-ملتها و حکومت‌های مرکزی در روابط خارجی آنها خواهد داشت.

تعریف جهان‌شهر^۱، شهر جهانی^۲ و ابرشهر^۳

جهان‌شهر که تا همین اواخر بعضاً مترادف با شهر جهانی ویا کلان‌شهر جهانی استفاده می‌شد واژه‌ای است که اگرچه قدمتی بسیار دارد، اما به کارگیری آن در مفهومی جدید و متفاوت با مفهوم باستانی آن برای اولین بار توسط پیترو هال در سال ۱۹۶۶ مورد استفاده و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در مفهوم جدید، شهر جهانی، شهری است که مرکز جریان‌های مالی و تجاری در سطح جهانی است. نزدیک به ۸۳٪ مبادلات پولی جهانی تنها در ۲۳ شهر و نزدیک به نیمی از بازار سرمایه جهانی در این شهرها جابه‌جا می‌شود. ۴ شهر نیویورک، لندن، توکیو و پاریس در رأس این شبکه به‌هم‌پیوسته بین‌شهری قرار گرفته‌اند. برای شهرهای جهانی ۱۲ شاخص در نظر گرفته شده که ۴ شهر فوق و حداکثر ۲ یا ۳ شهر دیگر بالاترین رتبه‌ها را در این شاخص‌ها کسب کرده‌اند. سایر شهرهای قرار گرفته در فهرست

1. Global City
2. World City
3. Mega City

فوق تنها در برخی از شاخص‌ها حائز رتبه بالا هستند. در منطقه آسیا دو شهر سنگاپور و هنگ‌کنگ در ۱۰ شاخص بالاترین رتبه‌ها را کسب کرده‌اند.^(۳) لذا به تدریج به ۶ و یا ۷ شهر جهانی صدر فهرست، جهان‌شهر و به سایر شهرها شهر جهانی اطلاق گردید. شهرهای جهانی و جهان‌شهر متفاوت از کلان‌شهر^۱ بوده به عبارتی تکامل یافته کلان‌شهرها می‌باشند که عموماً محدوده ارتباطی و عملکردی آن‌ها (پسکرانه)^۲ حوزه جغرافیایی ملی و یا محلی می‌باشد. اما شهر جهانی و جهان‌شهرها در محیط بین‌المللی و جهانی حضور یافته و واسطه‌ای برای شهرها و کلان‌شهرهای یک کشور و یا کلان‌شهرهای منطقه با اقتصاد، ارتباطات و مبادلات جهانی می‌باشند.

شاخص‌های شهرهای جهانی و جهان‌شهرها

برند شهری آوازه شهری	فعالیت بین‌المللی	ترمینال هوایی بین‌المللی عظیم	جمعیت قابل توجه و کارآمد
سیستم حمل‌ونقل بسیار پیشرفته	چندفرهنگی بودن و ترکیب فرهنگ‌های بین‌المللی	نهادهای بین‌المللی مالی - حقوقی دفاتر شرکت‌های بین‌المللی	زیرساخت پیشرفته ارتباطی و مخابراتی
نهادهای فرهنگی فراملی و چندملیتی	مرکز برگزاری فستیوال‌های فرهنگی بین‌المللی	وجود رسانه‌هایی با گستره جهانی	جامعه بزرگ ورزشی همراه با تأسیسات عمده ورزشی

واژه ابرشهر یا مگاسیتی نیز واژه‌ای جدید بوده و ابتدا به کلان‌شهرهایی اطلاق می‌شد که جمعیتی فراتر از ۵ میلیون نفر داشتند. اما با پیدایش کلان‌شهرهایی با جمعیتی بالای ۱۰ میلیون، هم‌اکنون عنوان ابرشهر یا مگاسیتی به شهرهایی که بالای ۱۰ میلیون جمعیت دارند اطلاق می‌گردد. اگرچه یکی از شاخص‌های شهرهای جهانی و جهان‌شهرها حجم بالای جمعیت می‌باشد اما همه ابرشهرها ضرورتاً در زمره آن‌ها قرار نگرفته‌اند. هم‌اکنون جهان‌شهرهای توکیو با ۳۵ میلیون نفر و نیویورک با نزدیک ۱۹

1. Metropolis
2. Hinterland

میلیون نفر در سال ۲۰۰۶ در زمره ابرشهرهای جهانی می‌باشند. اکثر ابرشهرها در مناطق و کشورهای در حال توسعه تشکیل شده و یا خواهند شد.

جهانی شدن: تحولی گریزناپذیر

جهانی شدن، مفهومی است که علی‌رغم گذشت چند دهه از طرح آن هم‌چنان به شدت بحث برانگیز بوده و برداشت‌ها و مواضع متفاوت و متضادی پیرامون آن اتخاذ شده است. مانند هر موضوع دیگر انسانی، پیروان مکاتب و صاحبان منافع مختلف برخورد و دریافت‌های گوناگونی نسبت به موضوع پیچیده و غامض، روند جهانی‌شدن داشته‌اند. چپ‌گرایان آن را یک مرحله از سرمایه‌داری و نظم امپریالیستی تلقی نموده و محافظه‌کاران آن را مخدوش‌کننده هویت‌های ملی و فرهنگی می‌دانند. برخی آن را ساخته و پرداخته و یا توطئه قدرت‌های غربی برای تحکیم سلطه خویش بر جهان پیرامونی و تقسیم جهان به دو جهان متن و حاشیه ارزیابی می‌کنند. از سوی دیگر، بسیاری از صاحب‌نظران و به‌خصوص کارشناسان روابط بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی مثل سازمان ملل متحد، جهانی‌شدن را دوره و مرحله‌ای جدید از دوره‌های تاریخ بشری می‌دانند که در حال شکل‌گیری و جامعه بشری در حال حاضر در حال عبور از دوران دولت-ملت‌ها و بین‌المللی‌گرایی به دوره جهانی‌شدن می‌باشد. مرحله‌ای که محصول تصمیم سیاسی و یا ارادی شخص و یا قدرت سیاسی خاصی در جهان نبوده است. بلکه روندی است که در پی یک سلسله تحولات به هم پیوسته، در عرصه‌های علم و تکنولوژی، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع و قواعد انسانی حادث شده است. *دایره‌المعارف بریتانیکا* جهانی‌شدن را چنین تعریف می‌نماید:

«روند جهانی‌شدن، تجربه‌ای روزمره که با انتشار کالاها و ایده‌ها باز شناخته می‌شود که در حال استاندارد شدن می‌باشند. عواملی که به جهانی‌شدن کمک می‌نماید از جمله سرعت شگفت‌آور پیشرفت ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی، حمل‌ونقل و خدمات، مهاجرت انبوه و جابه‌جایی مردم، سطحی از فعالیت‌های اقتصادی که بازار ملی و مرزهای ملی را از طریق گروه‌های صنعتی و تجاری درنوردیده و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی (با کاهش هزینه تجارت در کشورهای خارجی) را گسترش می‌دهد. جهانی‌شدن منافع بالقوه عظیمی را به شرکت‌ها و ملت‌ها ارائه می‌دهد. اما هم‌زمان با پدید آمدن انتظارات متفاوت، استاندارد شدن سطح زندگی، ارزش‌ها و فرهنگ‌ها،

نظام‌های حقوقی و علاوه بر این‌ها مسائل جهانی و تأثیرات متقابل آن‌ها دچار پیچیدگی شده است»^(۴).

بیزینس دیکشنری نیز جهانی شدن را چنین تبیین می‌کند:

«جنبشی جهانی به سوی همگرایی اقتصادی، مالی، تجاری و ارتباطات. جهانی‌شدن دلالت بر جایگزینی افق‌های ملی و محلی به چشم‌اندازهای وسیع‌تر به هم‌وابسته و در ارتباط با یکدیگر جهانی، با آزادی انتقال سرمایه، کالاها و خدمات فراتر از مرزهای جغرافیایی ملی دارد»^(۵).

آنتونی گیدنز^۱ «جهانی شدن» را یک رشته فرایندهای پیچیده‌ای می‌داند که نیروی محرک آن را ترکیبی از تأثیرات سیاسی و اقتصادی تشکیل می‌دهند و «جهانی‌شدن» در عین حال که نظام‌ها و نیروهای فراملی جدیدی را به وجود می‌آورد، زندگی روزمره را به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته تغییر می‌دهد. گیدنز «جهانی‌شدن» را تنها زمینه‌ای برای سیاست‌های معاصر نمی‌داند و معتقد است که «جهانی‌شدن» نهادهای جوامعی را که در آن زندگی می‌کنیم، دگرگون می‌سازد.

آنتونی گیدنز «جهانی‌شدن» را بسط، گسترش و دنباله آنچه که در گذشته وجود داشته نمی‌داند، بلکه آن را پدیده‌ای تلقی می‌کند که به‌نحو بنیادی، جدید است. برخلاف سایر نظریات در مورد «جهانی‌شدن»، گیدنز معتقد است که این پدیده صرفاً فرآیندی در بُعد اقتصادی نیست که تنها براساس اقتصاد بازار قابل فهم باشد، این پدیده پایان سیاست، دولت، ملت، خانواده، فرهنگ و عواطف نیستند، بلکه برعکس برخی از آن‌ها را تقویت می‌کند. همچنین، بر این نظر تأکید می‌کند که معنای «جهانی‌شدن» این نیست که جامعه جهانی در حال یکپارچه‌شدن است و برعکس این پدیده در برخی ابعاد با تفرق و پراکندگی روبه‌روست تا اتحاد و یک‌پارچگی. در واقع، موضوع «جهانی‌شدن» از نظر گیدنز روابط عاطفی افراد و زندگی شخصی آن‌ها و روابط محلی و منطقه‌ای است که به سراسر جهان کشیده شده است و نه صرفاً یک مسأله اقتصادی.^(۶)

مانوئل کاستلز^۲ با اشاره به عصر اطلاعات، جهانی‌شدن را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را دربرمی‌گیرد.

1. Anthony Giddens
2. Manuel Castells Oliván

مانوئل کاستلز می‌گوید:

«این جهان تقریباً در اواخر دهه ۱۹۶۰ و نیمه دهه ۱۹۷۰، بر اثر تقارن تاریخی سه فرایند مستقل پدیدار شد: انقلاب تکنولوژی اطلاعات؛ بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت‌سالاری، تجدید ساختار متعاقب آن‌ها و شکوفایی جنبش‌های اجتماعی فرهنگی همچون آزادی‌خواهی، حقوق بشر، فمینیسم و طرفداری از محیط‌زیست. تعامل میان این فرایندها و واکنش‌هایی که به آن دامن زدند، یک ساختار نوین اجتماعی مسلط، یعنی جامعه شبکه‌ای؛ یک اقتصاد نوین، یعنی اقتصاد اطلاعاتی و یک فرهنگ نوین، یعنی فرهنگ مجاز واقعی را به عرصه وجود آورد. منطق نهفته در این اقتصاد، این جامعه و این فرهنگ، زیربنای کنش و نهادهای اجتماعی در سرتاسر جهانی به هم پیوسته است.»^(۷)

جهانی شدن حاصل فرآیند چندین روند همگرا و به هم پیوسته، در سطوح فراملی و بین‌المللی، در دهه‌های اخیر می‌باشد: روند همگرایی اقتصادی، روند همگرایی سیاسی، زمامداری و حقوقی، روند همگرایی ارتباطی و روند همگرایی اجتماعی و جمعیتی. ممکن است این روندها منشأهایی قدیمی‌تر داشته باشند اما هم از نظر سرعت و هم از حجم و محتوی کاملاً با گذشته، متفاوت هستند. در نتیجه، جهان ما از جهان گذشته فاصله گرفته و ما را با جهان جدیدی روبه‌رو ساخته است. این روند جدید می‌تواند پایانی بر دوره‌های ناسیونالیسم و اینترناسیونالیسم باشد و همان‌گونه که کاستلز اشاره می‌کند جهان جدید، جهانی شبکه‌ای بوده که در جوامع سیاسی و کشورها همانند سیستم‌های باز و نیمه‌باز در ارتباط با سایر جوامع و سیستم فراگیر که همان سیستم جهانی باشد قرار می‌گیرند.

واکنش‌ها در برابر جهانی شدن

دامنه واکنش‌ها در برابر جهانی شدن بسیار وسیع و متنوع و حتی متناقض است. یکی از مهم‌ترین انتقادهای ثابت از جهانی شدن، آنست که جهانی شدن منجر به سلطه فرهنگی خواهد شد. مبادله و همگرایی موجب از بین رفتن تفاوت شده، قواعد و هنجارها، ایده‌ها و الگوهای بین‌المللی، جایگزین قواعد و هنجارهای محلی خواهد شد. غالب جریان‌های فرهنگی، مثل شرایط خبری، مشخصاً منافع غربی‌ها و کنترل آن‌ها را به نمایش می‌گذارد و امپریالیسم فرهنگی آمریکا می‌خواهد به سمت جهانی‌سازی

نمادها و فرهنگ عامه آمریکایی حرکت نماید.^(۸) استدلال مقابل بر عدم تجانسی تأکید می‌کند که حاصل جهانی‌شدن می‌باشد. مبادله فرهنگ‌ها به نوع جدیدی از اختلاط فرهنگ‌ها انجامیده و همگرایی باعث دامن‌زدن به دفاع از سنت‌های فرهنگی می‌شود. ترم‌ها و قواعد جهانی ضرورتاً ترجمان تفاوت‌های فرهنگی باتوجه به سنت‌های محلی بوده و از جمله قواعد جهانی به رسمیت‌شناختن تفاوت‌های فرهنگی خواهد بود. جریان فرهنگی هم‌اکنون در سطوح مختلفی گسترده شده، ولی موجب سلطه فرهنگی آمریکا نشده و در مقابل امکانات جهانی‌شدن فرصت‌های زیادی را به فرهنگ‌های محلی خرد ناشناخته و یا کمتر ناشناخته داده که خود را در سطح جهانی ارائه نمایند.^(۹) از جمله شخصیت‌های سیاسی و رهبران شناخته‌شده دنیا که در خصوص جهانی‌شدن اظهار نظر کرده و آن را تجزیه و تحلیل کرده‌اند، ماهاتیر محمد نخست وزیر اسبق مالزی می‌باشد. وی می‌گوید:

«جهانی‌شدن یک موهبت الهی و یا قانون تردیدناپذیر طبیعی و یا انسانی نیست. بلکه یک رشته مفاهیم و سیاست‌های بشری است. در نتیجه قابل تجدیدنظر، بازبینی و بازسازی می‌باشد. به لحاظ نظری، جهانی‌شدن برای همه ره‌آورد خوبی می‌باشد. در واقع، این مفهوم توسط کشورهای پیشرفته به نیابت از شرکت‌ها و مؤسسات مالی آن‌ها طراحی شده است. هدف آن، فائق آمدن بر مقرراتی است که کشورهای در حال توسعه برای ارتقای اقتصاد داخلی به حاشیه رفته خویش در دوره استعمار تنظیم کرده‌اند. در عمل، تبعیت از این سیاست‌ها، می‌تواند برای یک کشور فرصت‌های جدیدی را برای رفاه ایجاد نماید. اما همزمان می‌تواند در یک چشم به هم زدن کامیابی یک کشور را تخریب نماید. همانند آنچه پیشتر در آرژانتین و اخیراً در آسیای جنوب شرقی رخ داد».^(۱۰)

رویکرد آقای ماهاتیر محمد رویکردی دوگانه است. در تئوری آن را می‌پذیرد ولی بنا به سوء تفاهمی تاریخی با غرب، بر این گمان است که جهانی‌شدن یک روند طراحی‌شده از سوی شرکت‌های غربی می‌باشد. در حالی که تحولات دهه‌های اخیر در آسیا از واقعیت‌های دیگری حکایت می‌کند. به علاوه، سال‌ها پیش و از دهه ۷۰ میلادی به بعد، رهبران سنگاپوری، همان کشوری که ماهاتیر محمد و رهبران پس از استقلال مالزی همواره در حال رقابت و تعقیب آن بوده و سیاست‌های آن کشور را کمابیش الگوبرداری کرده‌اند، این روند را مورد توجه قرار داده و به این باور رسیدند که

امروزه، دیگر توسعه اقتصادی نمی‌تواند صرفاً متکی بر منابع ملی و داخلی کشورها استوار گردد و برای رسیدن به توسعه و سوارشدن بر اسب تکنولوژی روز از یک سو نیازمند سرمایه، فناوری و همکاری فراملی و از سوی دیگر برای رسیدن به هدف‌های برنامه توسعه، بایستی بازار جهانی را و به‌خصوص بازارهای جوامع توسعه‌یافته را مدنظر نظر قرار داد. برای این منظور، ضرورت دارد که استانداردهای ملی و زیرساخت‌های کشوری را با توسعه‌یافته‌ترین کشورها تطبیق داده و سنگاپور به جهان‌شهر ارتقا یابد.^(۱۱)

برخی از نگاه‌ها نیز بیشتر به جنبه‌های درهم‌تنیدگی روابط انسانی و هم‌سرنوشتی جوامع بشری تأکید دارد. دیدگاهی که اگرچه در ادبیات دینی بسیار قدیم است اما در پهنه تاریخی، اقوام، نژادها و ملت‌ها چندان باوری به این امر نداشته و همواره در تلاش بوده‌اند که حساب جامعه خویش را از حساب دیگران جدا ساخته و یا برای جامعه خویش حساب ویژه باز کرده و سعی کنند به هزینه دیگران، سعادت، آسایش و رفاه اتباع و شهروندان خویش را ارتقا بخشند. تئوری‌های برتری نژادی و یا قوم برگزیده، که بر طبقه‌بندی فضیلت و تفاوت در خلقت و سرنوشت ملت‌ها، اقوام، نژادها و مذاهب استوار بود به تدریج کمرنگ شده، ولی همچنان از جمله دل‌نگرانی‌های محافظه‌کاران و هویت‌گرایان می‌باشد؛ کسانی که از اختلاط خون و نژاد و رنگارنگ شدن جامعه خویش گریزانند و در پی آن هستند که با جداسازی خویش از دیگران به گمان خویش از آلودگی و اختلاط پرهیز نمایند. اما این نگاه بدبینانه با تغییر در ترکیب جمعیتی کشورها و شهرها و تشکیل جوامع چندنژادی، چندفرهنگی و چندزبانی در حال رنگ‌باختن بوده و دیواره‌های هویت‌گرایی و محافظه‌کاری در حال فروریختن است. درخصوص جهانی‌شدن، آقای کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل می‌گوید:

«ما توانایی نادیده‌گرفتن همسفران خویش را در این کشتی کوچک نداریم. اگر آن‌ها به مرضی دچار شوند همه ما به آن بیماری گرفتار خواهیم شد و اگر آنان در ناراحتی و عصبانیت به سر برند به همه آسیب خواهد رسید.» خطابی که شعر جاودانی شاعر بزرگ ایران، سعدی را در خاطره‌ها زنده می‌کند. در واقع، کشتی موردنظر آقای عنان، سیاره‌ای است که کره زمین نام دارد که گذشته، حال و آینده همه انسان‌ها را به هم گره زده است.

واکنش‌ها به جهانی‌شدن به قدری زیاد، متنوع و متضاد است که طرح آن موضوع در حوصله این مقاله نیست. اما همه آن‌ها بر یک واقعیت تأکید دارند و آن این

که دنیای امروزی با دنیای دو دهه قبل کاملاً متفاوت است، چه این امر نتیجه یک طراحی و چه روندی ناشی از فرآیند تحولات ناشی از رشد و توسعه بشریت تلقی شود در عمل، برای همه ملت‌ها و کشورها اعم از توسعه‌یافته و یا درحال توسعه و یا توسعه‌نیافته، فرصت‌ها و تهدیدهای بی‌سابقه‌ای فراهم آورده است. جوامعی بیشترین نفع را از تحولات ناشی از جهانی‌شدن برده‌اند که پیشتر جزء فقیرترین و کمتر توسعه‌یافته‌ترین ملت‌های قاره‌های پنج‌گانه کره زمین بوده‌اند. اقتصادهای آسیایی و آمریکای جنوبی تا سه دهه قبل جایی در اقتصاد جهانی نداشته و دولت‌های آنان جزء بازیگران بین‌المللی محسوب نمی‌گردیدند. جداول زیر تولید ناخالص داخلی کشورهای برتر را در فاصله ۴۶ سال اخیر نشان می‌دهد:^(۱۲)

رتبه (سال ۱۹۶۰)	کشور	تولید ناخالص داخلی به دلار آمریکا
۱	آمریکا	۵۲۰،۵۳۱،۲۰۰،۰۰۰
۲	انگلستان	۷۲،۲۷۳،۳۴۰،۰۰۰
۳	فرانسه	۶۳،۳۴۳،۳۱۰،۰۰۰
۴	چین	۶۱،۳۷۷،۹۳۰،۰۰۰
۵	ژاپن	۴۴،۳۰۵،۰۲۰،۰۰۰
۶	کانادا	۴۰،۵۲۵،۶۷۰،۰۰۰
۷	ایتالیا	۴۰،۳۸۵،۲۹۰،۰۰۰
۸	هندوستان	۳۶،۱۴۹،۹۲۰،۰۰۰
۹	استرالیا	۱۸،۷۹۰،۱۴۰،۰۰۰
۱۰	برزیل	۱۵،۱۶۵،۵۷۰،۰۰۰
۱۱	سوئد	۱۴،۶۸۸،۸۹۰،۰۰۰
۱۲	مکزیک	۱۳،۰۵۶،۱۷۰،۰۰۰
۱۳	هلند	۱۲،۸۱۶،۳۶۰،۰۰۰
۱۴	اسپانیا	۱۲،۰۷۲،۱۳۰،۰۰۰
۱۵	بلژیک	۱۱،۶۵۸،۷۲۰،۰۰۰

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید تولید ناخالص داخلی آمریکا در ۱۹۶۰ حدود ۵۲۰ میلیارد دلار بوده و بالاترین رتبه را در سطح جهان آن روز داشته است. کشور بعدی انگلستان بود با حجمی حدود ۷۲ میلیارد دلار و چین با ۶۱ میلیارد دلار رتبه چهارم را داشته است. در آن موقع، حجم اقتصاد آمریکا به نسبت کشور بعدی بیش از هفت برابر بوده است. با فاصله ۴۶ سال، جدول زیر حجم تولید ناخالص داخلی کشورهای دارای اقتصاد بزرگ را در سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد:

رتبه (۲۰۰۶)	کشور	تولید ناخالص داخلی (به دلار آمریکا)	رتبه قبلی ۱۹۶۰
۱	آمریکا	۱۳,۲۰۱,۸۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۱
۲	ژاپن	۴,۳۴۰,۱۳۳,۰۰۰,۰۰۰	۵
۳	آلمان	۲,۹۰۶,۶۸۱,۰۰۰,۰۰۰	جدید در فهرست
۴	چین	۲,۶۶۸,۰۷۱,۰۰۰,۰۰۰	۴
۵	انگلستان	۲,۳۴۵,۰۱۵,۰۰۰,۰۰۰	۲
۶	فرانسه	۲,۲۳۰,۷۲۱,۰۰۰,۰۰۰	۳
۷	ایتالیا	۱,۸۴۴,۷۴۹,۰۰۰,۰۰۰	۷
۸	کانادا	۱,۲۵۱,۴۶۳,۰۰۰,۰۰۰	۶
۹	اسپانیا	۱,۲۲۳,۹۸۸,۰۰۰,۰۰۰	۱۴
۱۰	برزیل	۱,۰۶۷,۹۶۲,۰۰۰,۰۰۰	۱۰
۱۱	روسیه	۹۸۶,۹۳۹,۶۰۰,۰۰۰	جدید در فهرست
۱۲	هندوستان	۹۰۶,۲۶۸,۰۰۰,۰۰۰	۸
۱۳	کره جنوبی	۸۸۸,۰۲۴,۲۰۰,۰۰۰	جدید در فهرست
۱۴	مکزیک	۸۳۹,۱۸۱,۹۰۰,۰۰۰	۱۲
۱۵	استرالیا	۷۶۸,۱۷۷,۷۰۰,۰۰۰	۹

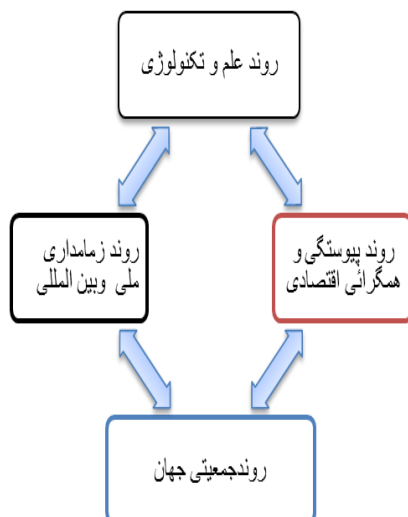
نگاهی به جدول بالا نشان از تحولات و جابه‌جایی‌های قابل‌توجهی در سطح کشورهای جهان دارد. اولاً، حجم اقتصاد آمریکا نزدیک به ۲۵ برابر بزرگ شده است و از ۵۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۶۰ به بالای ۱۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۶ رسیده است. اما نکته قابل‌توجه جابه‌جایی کشورها در سلسله‌مراتب اقتصاد جهانی می‌باشد. ژاپن از رده پنجم به رده دوم صعود کرده است. جالب‌تر آن که دیگر فاصله اقتصاد اول

دنیا با اقتصاد بعدی یک فاصله ۷ برابری نیست بلکه این فاصله به ۳ برابر کاهش یافته است. نکته بعدی این که انگلیس که قرن نوزده میلادی به این کشور تعلق داشته در طلوع قرن بیست و یکم به رده پنجم نزول یافته و پیش از این کشور و بعد از آمریکا، ژاپن، آلمان و چین قرار گرفته‌اند. در فهرست ۱۵ کشور رده اول سه عضو جدید آلمان، کره جنوبی و روسیه نیز وارد شده، هلند، بلژیک و سوئد از این فهرست خارج شده‌اند. اتفاق بعدی این است که اگرچه حجم اقتصاد آمریکا بیش از ۲۵ برابر بزرگ شده اما حجم اقتصاد ژاپن ۱۰۰ برابر به نسبت ۱۹۶۰ بزرگ‌تر شده است. چین اقتصاد خویش را بیش از ۵۰ برابر بزرگ‌تر کرده و همه این تحولات در حوزه‌های خارج از جهان غرب رخ داده است. حال اگر نگاهی به پیش‌بینی‌های آینده اقتصادهای بزرگ بیاندازیم درمی‌یابیم که این روند جابه‌جایی به نفع آسیایی‌ها و دیگر قدرت‌های خارج از اروپا و غرب تکمیل خواهد شد. یکی از این پیش‌بینی‌ها متعلق به واحد اکونومیست اینتلیجنس می‌باشد. اگر پیش‌بینی این مؤسسه درست از آب در آید، در سال ۲۰۶۶، چین با حجمی یک برابرونییم بزرگ‌تر از آمریکا به رده اول صعود خواهد کرد و هندوستان با اقتصادی ۱/۳ برابر بزرگ‌تر از آمریکا در جای دوم قرار گرفته، آمریکا در رده سوم و پس از آن برزیل، روسیه، مکزیک، آلمان و مالزی قرار خواهند گرفت. همه میهمانان جدید از آسیا و آمریکای جنوبی در نظر گرفته شده‌اند. شاخص بعد درآمد سرانه کشورها می‌باشد که پیش‌بینی واحد اکونومیست اینتلیجنس^(۱۳) از این امر حکایت دارد که سنگاپور، هنگ‌کنگ، ایرلند، تایوان، کره جنوبی و سپس آمریکا رده‌های اول تا هفتم را به خود اختصاص داده‌اند. در جدولی که از سوی واحد اکونومیست اینتلیجنس تهیه شده جای کشورهای مرفه و بسیار ثروتمند امروزمین یعنی لوکزامبورگ با درآمد سرانه ۱۰۹ هزار دلار، نروژ با درآمد سرانه ۹۴ هزار دلار و سوئیس با درآمد سرانه ۶۵ هزار دلاری خالی بوده تنها دانمارک پس از آمریکا در رده هشتم قرار و کشورهای اروپایی رده‌های بعدی را به خود اختصاص می‌دهند. نتیجه آن که اگر نظم نوین و یا به عبارتی جهانی‌شدن همان‌گونه که آقای ماهاتیر محمد می‌گوید طراحی کشورهای توسعه‌یافته فعلی باشد نبایستی جایی برای بالا آمدن چین، هند، برزیل و از جمله کشور متبوع ایشان یعنی مالزی باشد. اگر این روند جهانی همچنان ادامه یابد، باید کشورهای غربی و یا به عبارتی استعمارگران پیشین، بیشتر از دیگران از این تحولات نگران باشند. یک آمار دیگر نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی شهر توکیو در سال ۲۰۰۵ رقمی برابر ۱۱۹۱ میلیارد

دلار بوده و پس از آن، شهر نیویورک با ۱۱۳۳ میلیارد دلار قرار گرفته است. ارقامی که بیش از تولید ناخالص داخلی ۱۸۰ کشور دنیا می‌باشد. در همین سال، تهران با تولید ناخالص داخلی ۸۸ میلیارد دلار رتبه ۵۶ را در بین کلان‌شهرهای جهان کسب کرده است.^(۱۴) پیش‌بینی شده است که تولید ناخالص داخلی توکیو در سال ۲۰۲۰، رقمی برابر ۱۶۰۲ میلیارد دلار و نیویورک ۱۵۶۱ میلیارد دلار خواهند بود. جالب آن که در همین سال مکزیکوسیتی با دو برابر کردن تولید ناخالص داخلی خویش به نسبت سال ۲۰۰۵، انتظار می‌رود آن را به ۶۰۸ میلیارد دلار برساند. پیش‌بینی برای تهران ۱۷۲ میلیارد دلار و رده ۴۹ می‌باشد.^(۱۵) علاوه بر این که کشورها و دولت‌های جدیدی به باشگاه کشورهای ثروتمند و دارای اقتصادبزرگ پیوسته، کنشگران و بازیگران جدید روابط بین‌الملل ظهور یافته‌اند و ارزیابی‌ها و همچنین پیش‌بینی‌ها از ورود بازیگران بیشتری به عرصه‌های روابط بین‌المللی حکایت دارد. جهانی‌شدن بر روندهای به‌هم‌پیوسته و متقابلی استوار است که در فرایند این روندها بازیگران و کنشگران یا جابه‌جا شده و یا نوع طراز نوینی از آن‌ها وارد عرصه‌های مناسبات جهانی می‌شوند.

روند های جهانی شدن و تأثیر آن بر جهان‌شهرها

در بحث پیرامون جهانی شدن، همگرایی و جهانی‌شدن به چهار جریان عمده: اقتصاد، علم و تکنولوژی، ارتباطات فردی و اجتماعی و جمعیت به عنوان عوامل و ریشه‌های شکل‌گیری این دوره جدید از مناسبات بین‌المللی اشاره شد. این چهار جریان عمده شاخص‌های اصلی روند جهانی‌شدن شناخته می‌شوند. شمای زیر به هم پیوستگی و در ارتباط متقابل بودن این چهار روند را نشان می‌دهد:



الف) روند جمعیتی جهان، شهرهای جهانی، ابرشهرها: آمارها نشان از افزایش جمعیت با نرخ بالا در پاره‌ای از مناطق کره زمین و کاهش نرخ رشد در برخی نقاط دیگر دنیا دارد. به‌علاوه، جمعیت هر چه بیشتر در شهرها و به‌ویژه کلان‌شهرها متمرکز می‌شوند. پیشرفت تکنولوژی و پدیداری تکنولوژی نوین، استفاده از نیروی انسانی را در تولیدات کشاورزی به حداقل رسانیده است. همچنین، ارتقای بهداشت و کاهش نرخ مرگ‌ومیر و به‌خصوص افزایش نرخ امید به زندگی در همه کشورهای جهان و به‌خصوص کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، نیز به نرخ رشد جمعیت کمک کرده است. وضعیت جمعیتی مناطق مختلف جهان در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که جهان با روند جابه‌جایی روبه‌رو می‌باشد.

بررسی‌های آماری مرکز آمار سازمان ملل و دفتر آمار آمریکا^۱ نشان می‌دهند مناطق آسیای شرقی، آسیای جنوب شرقی و آسیای جنوبی در سال ۲۰۰۰ با کمتر از ۳ میلیارد نفوس انسانی بالاترین حجم جمعیت جهان را به خود اختصاص داده است. همین منطقه در سال ۲۰۱۵ بیش از ۴ میلیارد نفر از جمعیت جهان را در خود جای خواهد داد که بیش از ۲/۵ میلیارد نفر آن در سنین کار به‌سر می‌برند. اگر این حجم از جمعیت را با جمعیت سنین کار در اروپای غربی و آمریکای شمالی مقایسه کنیم

1. U.S. Census Bureau

دریافت خواهیم کرد که سر ریز جمعیت در این مناطق و سایر مناطق کمتر توسعه‌یافته، برای مهاجرت به مناطقی که با مشکل کمبود جمعیت آماده به کار مواجهند تلاش کرده و کشورهای که با مشکل سالمندی و کمبود جمعیت روبه‌رو هستند در تلاش خواهند بود که افراد شاخص و مستعد جوامع دارای جمعیت فراوان را جذب نمایند. حاصل این فعل و انفعال، تغییر ترکیب جمعیت در بسیاری از مناطق جهان خواهد شد. جدول زیر تغییرات جمعیتی جهان را از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۵۰ نشان می‌دهد. براساس پیش‌بینی سازمان ملل در سال ۲۰۵۰ تنها کمتر از ۱۳٪ جمعیت دنیا در اروپا و آمریکای شمالی زندگی خواهند کرد. بیشترین افزایش درصد جمعیت در آفریقا به چشم می‌خورد. اگر این حجم جمعیت در کنار رشد جایگاه اقتصادی (جداول مربوط به تغییرات تولید ناخالص داخلی کشورهای بزرگ جهان) آسیا قرار دهیم آن وقت بایستی در انتظار تغییراتی در معادلات قدرت در جهان پیش رو باشیم.

برآوردهای جمعیتی سازمان ملل (سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰) در مناطق مختلف جهان

سال	جهان	آسیا	آفریقا	اروپا	آمریکای لاتین	آمریکای شمالی	اقیانوسیه
۲۰۰۰	۶,۱۱۵	۳,۶۹۸	۸۱۹	۷۲۷(۱۱,۹)	۵۲۱(۸,۵)	۳۱۹(۵,۲)	۳۱(۰,۵)
۲۰۰۵	۶,۵۱۲	۳,۹۳۷	۹۲۱	۷۲۹(۱۱,۲)	۵۵۷(۸,۶)	۳۳۵(۵,۱)	۳۴(۰,۵)
۲۰۱۰	۶,۹۰۹	۴,۱۶۷	۱,۰۳۳	۷۳۳(۱۰,۶)	۵۸۹(۸,۵)	۳۵۲(۵,۱)	۳۶(۰,۵)
۲۰۱۵	۷,۳۰۲	۴,۳۹۱	۱,۱۵۳	۷۳۴(۱۰,۱)	۶۱۸(۸,۵)	۳۶۸(۵,۰)	۳۸(۰,۵)
۲۰۲۰	۷,۶۷۵	۴,۵۹۶	۱,۲۷۶	۷۳۳(۹,۶)	۶۴۶(۸,۴)	۳۸۳(۵,۰)	۴۰(۰,۵)
۲۰۲۵	۸,۰۱۲	۴,۷۷۳	۱,۴۰۰	۷۲۹(۹,۱)	۶۷۰(۸,۴)	۳۹۸(۵,۰)	۴۳(۰,۵)
۲۰۳۰	۸,۳۰۹	۴,۹۱۷	۱,۵۲۴	۷۲۳(۸,۷)	۶۹۰(۸,۳)	۴۱۰(۴,۹)	۴۵(۰,۵)
۲۰۳۵	۸,۵۷۱	۵,۰۳۲	۱,۶۴۷	۷۱۶(۸,۴)	۷۰۶(۸,۲)	۴۲۱(۴,۹)	۴۶(۰,۵)
۲۰۴۰	۸,۸۰۱	۵,۱۲۵	۱,۷۷۰	۷۰۸(۸,۰)	۷۱۸(۸,۲)	۴۳۱(۴,۹)	۴۸(۰,۵)
۲۰۴۵	۸,۹۹۶	۵,۱۹۳	۱,۸۸۷	۷۰۰(۷,۸)	۷۲۶(۸,۱)	۴۴۰(۴,۹)	۵۰(۰,۶)
۲۰۵۰	۹,۱۵۰	۵,۲۳۱	۱,۹۹۸	۶۹۱(۷,۶)	۷۲۹(۸,۰)	۴۴۸(۴,۹)	۵۱(۰,۶)

Source: <http://esa.un.org>

روند افزایش جمعیت و تغییر ترکیب جمعیتی در جهان و مهاجرت ناشی از آن، حاوی فرصت‌ها و تهدیدات فراوانی خواهد بود و به طور طبیعی کشورهای پیشرفته در تلاش خواهند بود با برپا نمودن نظام جذب نیروهای انسانی مستعد مورد نیاز خویش

بهترین نیروهای انسانی جوامع کمتر توسعه یافته را جذب نمایند. این روند باعث به هم زده شدن ترکیب جمعیتی در اکثر شهر های بزرگ جهان می شود. روندی که از مدتی قبل آغاز شده است. جدول زیر شهرهایی را نشان می دهد که حداقل ۲۵٪ جمعیت آن ها متولد خارج از کشور هستند.

شهر	سال	جمعیت شهر	جمعیت متولد خارج	درصد
دبی	۲۰۰۲	۸۵۷،۲۳۳	۷۰۲،۹۳۱	۸۲،۰۰
میامی	۲۰۰۰	۲،۲۵۳،۳۶۲	۱،۱۴۷،۷۶۵	۵۰،۹۴
آمستردام	۲۰۰۲	۷۳۵،۳۲۸	۳۴۷،۶۳۴	۴۷،۲۸
تورنتو	۲۰۰۱	۴،۶۴۷،۹۶۰	۲،۰۹۱،۱۰۰	۴۴،۹۹
مسقط	۲۰۰۰	۶۶۱،۰۰۰	۲۹۴،۸۸۱	۴۴،۶۱
ونکوور	۲۰۰۱	۱،۹۵۷،۴۷۵	۷۶۷،۷۱۵	۳۹،۰۲
اوکلند	۲۰۰۱	۳۶۷،۷۳۷	۱۴۳،۴۱۷	۳۹،۰۰
ژنو	۲۰۰۲	۴۲۷،۷۰۰	۱۶۴،۱۱۸	۳۸،۳۷
مکه	۱۹۹۶	۴/۴۶۷/۶۷۰	۱،۶۸۶،۵۹۵	۳۷،۷۵
لاسه	۱۹۹۵	۴۴۱،۵۹۵	۱۶۱،۵۰۹	۳۶،۵۷
لوس آنجلس	۲۰۰۰	۹،۵۱۹،۳۳۸	۳،۴۴۹،۴۴۴	۳۶،۲۴
تل آویو	۲۰۰۲	۲،۰۷۵،۵۰۰	۷۴۷،۴۰۰	۳۶،۰۱
کی یف	۱۹۹۲	۲،۶۱۶،۰۰۰	۹۴۱،۷۶۰	۳۶،۰۰
مدینه	۲۰۰۰	۵،۴۴۸،۷۷۳	۱،۸۹۳،۲۱۳	۳۴،۷۵
نیویورک	۲۰۰۰	۹،۳۱۴،۲۳۵	۳،۱۳۹،۶۴۷	۳۳،۷۱
سان فرانسیسکو	۲۰۰۰	۱،۷۳۱،۱۸۳	۵۵۴،۸۱۹	۳۲،۰۵
ریاض	۲۰۰۰	۴،۷۳۰،۳۳۰	۱،۴۷۷،۶۰۱	۳۱،۲۴
پرت	۲۰۰۱	۱،۳۳۶،۲۳۹	۴۲۲،۵۴۷	۳۱،۶۲
سیدنی	۲۰۰۱	۳،۹۶۱،۴۵۱	۱،۲۳۵،۹۰۸	۳۱،۲۰
اورشلیم	۲۰۰۲	۶۷۸،۳۰۰	۲۰۸،۷۰۰	۳۰،۷۷
ملبورن	۲۰۰۱	۳،۳۶۷،۱۶۹	۹۶۰،۱۴۵	۲۸،۵۱
فرانکفورت	۲۰۰۰	۶۵۰،۷۰۵	۱۸۱،۱۸۴	۲۷،۸۴
تفلیس	۱۹۹۹	۱،۳۳۹،۱۰۵	۳۷۰،۹۳۲	۲۷،۷۰
لندن	۲۰۰۱	۷،۱۷۲،۰۹۱	۱،۹۴۰،۹۳۲	۲۷،۰۵
بروکسل	۲۰۰۲	۹۷۸،۳۸۴	۲۶۰،۰۴۰	۲۶،۵۸

Source: www.migrationinformation.org

سه میلیون و پانصد هزار نفر از جمعیت نه‌ونیم میلیون نفری لوس‌آنجلس و دومیلیون نفر از جمعیت بیش از هفت میلیون نفری لندن در ابتدای هزاره سوم مهاجر هستند. ترکیب جمعیت خارجی لندن نشان از تنوع بسیار بالای خارجی‌های مقیم آن شهر دارد.

حجم و تنوع بسیار بالای جمعیت خارجی مهاجر در شهری مانند لندن تأثیرات جدی خود را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و اداری این شهر خواهد گذاشت. بخش مهمی از درآمد مهاجرین به موطن اصلی آن‌ها ارسال می‌گردد و همین امر علقه‌ای علاوه بر دیگر علقه‌های ارتباطی، رسانه‌ای، فرهنگی، سیاسی و امنیتی بین شهری مانند لندن و کشوری مانند انگلستان با موطن اولیه مهاجرین متنوع اضافه می‌نماید و نوعی منافع متقابل بین این شهر با شهرها و کشورهای متعددی ایجاد خواهد کرد.

هم‌اکنون، تعدادی از کشورهای در حال توسعه به مقدار زیادی وابسته به پول‌ارسالی از شهروندان مهاجر خویش به شهرها و کشورهای توسعه‌یافته و یا ثروتمندتر هستند. جدول زیر ده کشور اول دارای درآمد زیاد از منابع مالی ارسالی از سوی شهروندان را نشان می‌دهد:

ارسال پول از سوی مهاجرین به سرزمین اصلی

MPI DATA HUB MIGRATION FACTS, STATS, AND MAPS		
Top Ten Countries with the Largest Amounts of Remittances (2006)		
Country	Amount (US\$000)	Share of GDP
1. India	25,700	2.9%
2. Mexico	24,732	3.0%
3. China	22,492	0.9%
4. Philippines	14,923	14.6%
5. Bangladesh	5,485	9.1%
6. Pakistan	5,400	4.3%
7. Morocco	5,048	9.1%
8. Egypt, Arab Rep.	5,017	4.3%
9. Lebanon	4,924	20.7%
10. Vietnam	4,800	7.5%

Note: Remittances are not counted toward the calculation of GDP. List includes only countries for which data is available and excludes high income countries.

Top Ten Countries with Remittances Representing the Highest Share of Gross Domestic Product (2006)		
Country	Amount (US\$000)	Share of GDP
1. Moldova	1,182	38.2%
2. Tonga	66	30.9%
3. Guyana	201	21.6%
4. Haiti	985	21.2%
5. Lebanon	4,924	20.7%
6. Tajikistan	1,019	20.2%
7. Honduras	1,796	19.6%
8. Jordan	2,500	19.6%
9. Bosnia and Herzegovina	1,943	19.4%
10. Armenia	1,175	19.1%

Note: Remittances are not counted toward the calculation of GDP. List includes only countries for which data is available and excludes high income countries.

در قرن بیستم جمعیت شهرنشین جهان از ۲۲۰ میلیون به ۲/۸ میلیارد نفر افزایش یافته است و در سال ۲۰۰۸ بیش از ۳/۳ میلیارد نفر در شهرها زندگی کرده و این رقم بیش از نیمی از کل جمعیت جهان می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت شهرها در سال ۲۰۳۰ به بیش از ۵ میلیارد نفر یعنی ۶۰٪ ساکنین زمین برسد. بیشترین افزایش جمعیت شهرنشین در دو قاره آسیا و آفریقا خواهد بود. در سال ۲۰۳۰ بیشتر از ۸۱٪ جمعیت شهرنشین در شهرهای کشورهای در حال توسعه فعلی خواهند زیست. از سال ۲۰۰۷ به بعد افزایش جمعیت صرفاً در مناطق شهری رخ داد. از جمله پیامدهای این روند شکل‌گیری شهرهایی با جمعیت بالای ۱۰ میلیون نفر ساکن خواهد بود. همه این ابرشهرها در مناطقی خارج از اروپا و آمریکای شمالی قرار خواهند داشت. جدول زیر ۲۰ کلان‌شهر و ابرشهر بزرگ جهان را در سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد. تنها دو شهر آمریکا، نیویورک با جمعیتی برابر ۱۸/۶۵ میلیون نفر (رده چهارم) و لس‌آنجلس با ۱۲/۲۲ میلیون نفر (رده دوازدهم) و یک شهر از اروپا، مسکو با ۱۰/۸۲ میلیون نفر

نفوس در این ۲۰ شهر قرار گرفته‌اند، مابقی بین آسیا، آمریکای لاتین، آمریکای جنوبی و آفریقا توزیع شده‌اند:^(۱۶)

ردیف	شهر - مناطق شهری	کشور	جمعیت در ۲۰۰۶ (میلیون)
۱	توکیو	ژاپن	۳۵,۵۳
۲	مکزیکو سیتی	مکزیک	۱۹,۲۴
۳	بمبئی	هند	۱۸,۸۴
۴	نیویورک	آمریکا	۱۸,۶۵
۵	سائوپولو	برزیل	۱۸,۶۱
۶	دهلی	هند	۱۶,۰۰
۷	کلکته	هند	۱۴,۵۷
۸	جاکارتا	اندونزی	۱۳,۶۷
۹	بوئنوس آیرس	آرژانتین	۱۳,۵۲
۱۰	داکا	بنگلادش	۱۳,۰۹
۱۱	شانگهای	چین	۱۲,۶۳
۱۲	لس‌انجلس	آمریکا	۱۲,۲۲
۱۳	کراچی	پاکستان	۱۲,۲۰
۱۴	لاگوس	نیجریه	۱۱,۷۰
۱۵	ریودوژانیرو	برزیل	۱۱,۶۲
۱۶	اوساکا، کوبه	ژاپن	۱۱,۳۲
۱۷	قاهره	مصر	۱۱,۲۹
۱۸	پکن	چین	۱۰,۸۵
۱۹	مسکو	روسیه	۱۰,۸۲
۲۰	مانیل	فیلیپین	۱۰,۸۰

Source: <http://www.citymayors.com>

روند رشد جمعیت ابر شهرها از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۵^(۱۷)

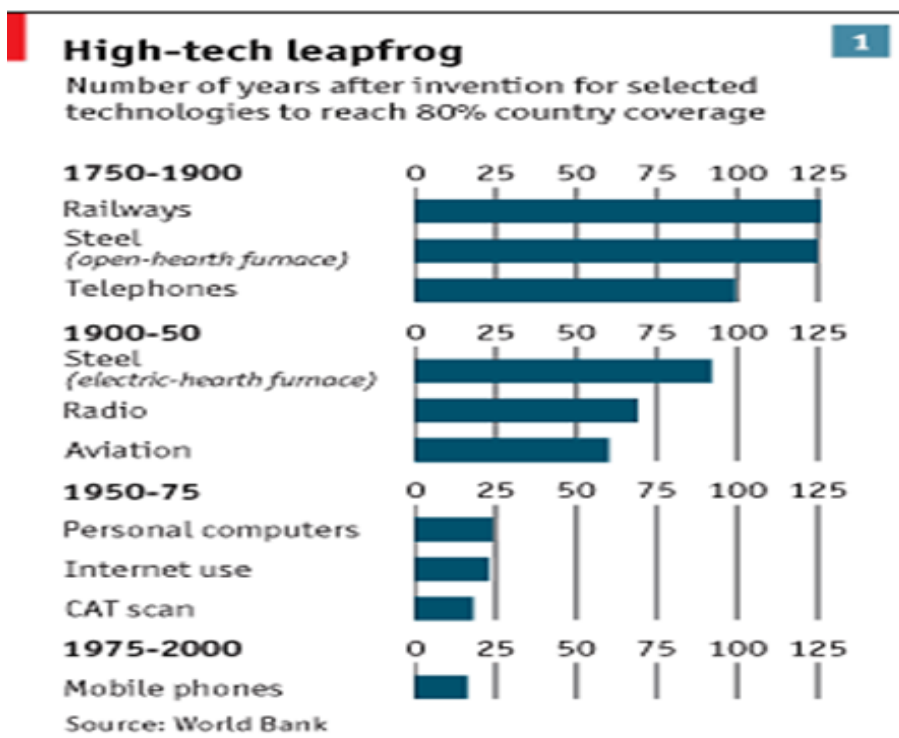
City	Population		
	1950	2007	2015
	Millions		
Tokyo, Japan	11.3	35.7	36.4
New York-Newark	12.3	19.0	20.0
Mexico City, Mexico	2.9	19.0	20.2
Mumbai (Bombay), India	2.9	19.0	21.9
São Paulo, Brazil	2.3	18.8	20.5
Delhi, India	1.4	15.9	18.7
Shanghai, China	6.1	15.0	17.2
Kolkata (Calcutta), India	4.5	14.8	17.0
Dhaka, Bangladesh	0.3	13.5	17.0
Buenos Aires, Argentina	5.1	12.8	13.4
Los Angeles-Long Beach-Santa Ana	4.0	12.5	13.2
Karachi, Pakistan	1.1	12.1	14.9
Cairo, Egypt	2.5	11.9	13.5
Rio de Janeiro, Brazil	3.0	11.7	12.8
Osaka-Kobe, Japan	4.1	11.3	11.4
Beijing, China	4.3	11.1	12.8
Manila, Philippines	1.5	11.1	12.8
Moscow, Russian Federation	5.4	10.5	10.5
Istanbul, Turkey	1.0	10.1	11.2

Note: A "megacity" is defined as an urban agglomeration with ten million or more inhabitants.

ابرشهرها، اگر در زمره جهان‌شهرها مثل توکیو و نیویورک قرار نگیرند، درارتباط مستقیم مبادلاتی و مهاجرتی با آنها خواهند بود. پیش‌بینی می‌شود که ابرشهرها به دلایل متعددی از جمله دلایل اقتصادی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به مهم‌ترین کانون‌های جهان آینده تبدیل خواهند شد.

ب) **روند علم و تکنولوژی و شهر جهانی:** اصلی‌ترین روند و جریان مؤثر در شکل‌گیری و تشدید سرعت جهانی‌شدن، تحولات و اصطلاحاً آنچه که انقلاب تکنولوژی خوانده می‌شود، می‌باشد. برای صدها سال سرعت روند پیشرفت علم و تکنولوژی تقریباً ثابت و یا کند بوده است. سرعت این روند در پنج دهه اخیر بسیار افزایش یافت. اما از دهه ۱۹۷۰ میلادی و همزمان با ورود تکنولوژی‌های برآمده از الکترونیک و کامپیوتر، تحولات آن اوج گرفت و امروزه، سرعت آن فوق‌العاده و غیرقابل تصور شده است. شمای

زیر مدت زمان همه‌گیر شدن برخی از تکنولوژی‌های به‌شدت تأثیرگذار در زندگی بشر را در سه سده اخیر نشان می‌دهد:

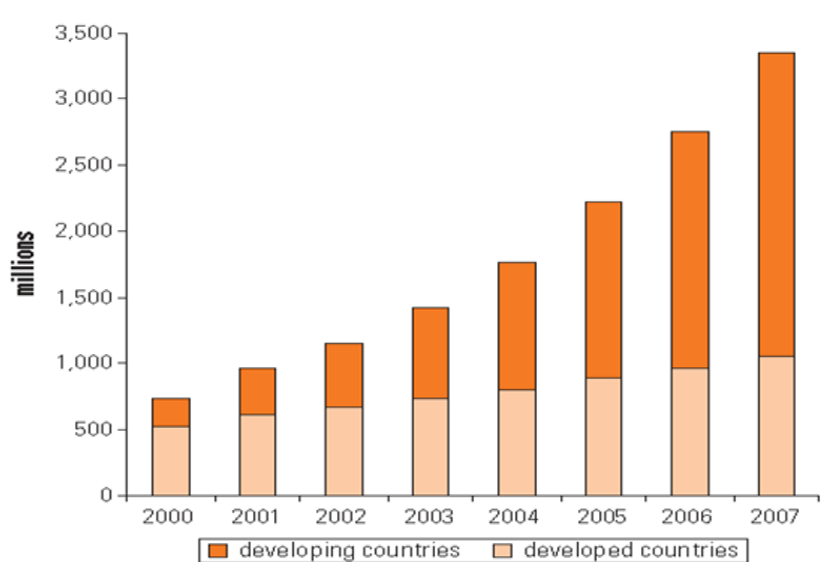


منبع: بانک جهانی

برای این که راه‌آهن و فولاد استفاده عمومی پیدا کند ۱۲۵ سال طول کشیده است. برای تلفن یک‌صدسال زمان لازم بوده است. زمان لازم برای رادیو و هواپیمانوردی بیش از ۵۰ سال بوده است. اما زمان عمومی شدن کامپیوتر و اینترنت کمتر از ۲۵ سال و موبایل و تلفن همراه کمتر از ۱۵ سال بوده است. امروزه، ضریب نفوذ موبایل در برخی از کشورها به صددرصد رسیده و در سال ۲۰۰۷ بیش از نیمی از مردم جهان دارای گوشی تلفن همراه بوده‌اند. شمای زیر روند رشد استفاده از تلفن همراه را از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ نشان می‌دهد. براساس آمار اتحادیه بین‌المللی مخابرات، در حالی که در سال ۲۰۰۰ کمتر از ۸۰۰ میلیون نفر مشترک تلفن همراه بوده‌اند در سال ۲۰۰۷ به

رقمی نزدیک به ۳/۵ میلیارد نفر رسید. آمار سال ۲۰۱۰ این رقم را ۴/۶ میلیارد نفر نشان می‌دهد.

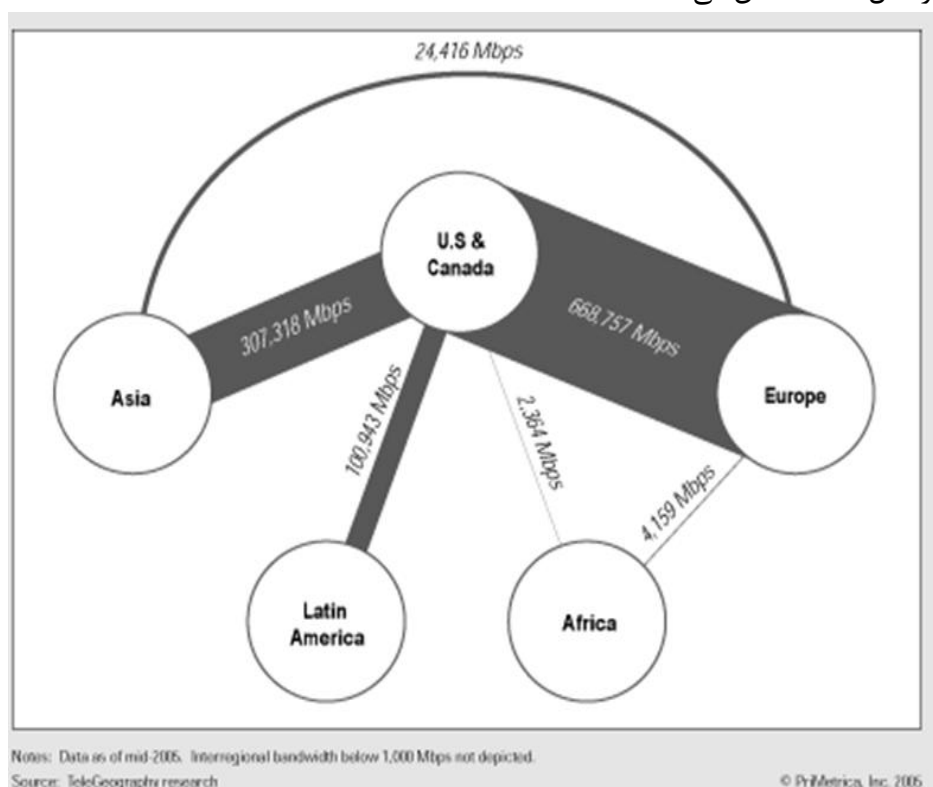
درخصوص اینترنت نیز روند مشابهی به چشم می‌خورد. در حالی که تعداد کاربران اینترنت در سال ۱۹۹۸ رقمی ناچیز و حدود یک درصد جمعیت دنیا را تشکیل می‌داد در سال ۲۰۰۹ به حدود ۲۶ درصد می‌رسد. شمای بعدی رشد مشترکین تلفن همراه را براساس مناطق مختلف جهان از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۹ به نمایش می‌گذارد:



Source: International Telecommunication Union (ITU), World Telecommunication/ICT Indicators Database.

ماهواره‌ها و شبکه‌های فیبر نوری هم اکنون مناطق مختلف جهان را در ارتباط بی‌وقفه با یکدیگر قرار داده است. هم اکنون ما با دو جهان روبه‌رو هستیم، جهانی مادی و فیزیکی که به وسیله شبکه‌های راه‌های زمینی، هوایی و دریایی و همین‌طور رسانه‌های گروهی به هم پیوسته است و جهانی مجازی که از طریق شبکه‌های الکترونیکی فیبر نوری و ماهواره‌ای بی‌سیم جهان را به هم پیوند می‌زند. جهانی که برخلاف جهان اول که در آن زمان و مکان و فاصله‌های جغرافیایی، روز و شب و عوارض جغرافیایی و طبیعی مداخله دارد. اما در جهان مجازی ساعت کاری و اداری مطرح نیست، نه خورشید غروب می‌کند و نه فاصله‌های جغرافیایی و عوارض طبیعی در آن

تأثیری دارد. جهانی که فضای جریان‌ها جایگزین فضای مکان‌ها شده و ژئوپلتیک جدیدی شکل گرفته است. در این ژئوپلتیک برخلاف دوران ماقبل جهانی شدن، که جایگاه و وسعت جغرافیایی و مشرف‌بودن بر مسیرهای حمل‌ونقل و قدرت سخت‌افزاری شاخص‌های اصلی و تعیین‌کننده موقعیت و جایگاه کشورها و همین‌طور شهرها بود، جایگاه آن در شبکه‌های به هم پیوسته جهانی و یا به اصطلاح گره‌های ارتباطی واجد اهمیت اساسی خواهد بود. شمای زیر پهنای باند بین‌قاره‌ای و شبکه‌های فیبر نوری را در سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد:



همان‌طوری که مشاهده می‌شود پهنای باند بین اروپا و آمریکا در حال حاضر بیش از دو برابر آسیا است. اما سطح پهنای باند آفریقا و خاورمیانه با آمریکا نزدیک ۳۰۰ برابر کمتر از اروپا و کمتر از ۱۰۰ برابر از آسیا و آمریکا می‌باشد. آمریکای لاتین وضعیت به مراتب بهتری به نسبت آفریقا دارد. مشابه همین وضعیت در خصوص سمت‌گیری ماهواره‌های اطراف کره زمین به سمت قاره‌های مختلف کره زمین وجود

دارد. در این ساختار شبکه‌های به‌هم‌پیوسته که شبکه جهانی ارتباطات نام دارد و شبکه‌های جهانی اینترنت و تلفن‌های همراه و رسانه‌های دسته‌جمعی چندرسانه‌ای در آن ایجاد شده شبکه‌های هوشمندی شکل گرفته است که در آن، انواع مبادلات انسانی صورت گرفته، اطلاعات و دانش بشری در آن انباشته می‌شود. حجم اطلاعات موجود در شبکه جهانی اینترنت با سرعت نجومی در حال افزایش است به‌گونه‌ای که دیگر شاید هرگز قابل اندازه‌گیری نباشد. این اطلاعات در ابررایانه‌ها یا سرورهایی انباشته می‌شود که در شهرهای جهانی و جهان‌شهرها قرار گرفته‌اند. از جمله خصوصیات این شهرها مراکز ارتباطات جهانی هوشمند و دانش‌پایه‌بودن آن‌ها می‌باشد. از این شهرها و از طریق این شبکه‌های به هم پیوسته جهانی منابع مالی، نقل‌وانتقال سرمایه و کالا، نیروی انسانی و خدمات مدیریت و کنترل می‌شود. فاصله‌های زمانی و مکانی در این ساختار به صفر رسیده و مرزهای جغرافیایی کلاسیک در آن فاقد معنا و مفهوم است. در نتیجه، با شکل‌گیری جغرافیای سیاسی از نوع جدید مفاهیمی مانند مرزهای سیاسی ملی و یا نقطه تماس بین‌المللی تعاریفی متفاوت از گذشته پیدا می‌کند. در واقع، مرز ملی از همان نقطه یا شهری آغاز می‌گردد که دستورالعمل و یا درخواست کاربر وارد شبکه می‌شود. سپس، از گذرگاه‌ها و نودهای متعددی عبور می‌کند که هرکدام از آن‌ها می‌تواند در کشور و یا کشورهای مختلفی قرار گرفته باشند. برای عبور از این گذرگاه‌ها و ایستگاه‌ها نیازی به مجوز و یا ویزا نمی‌باشد. همه فعل و انفعالات و اطلاعات در سرورهایی انباشته می‌شود که در قلمرو حاکمیت متبوعه کاربر و یا سازمان اقدام‌کننده قرار نداشته و از سوی دیگر دولت آن سرزمین سلطه‌ای بر آن‌ها ندارد. شهرهایی که این توانایی را دارند که بتوانند عدد و حجم بالایی از سرورهای امن و یا مراکز هاستینگ را در خود جای دهند جایگاه ویژه‌ای در فضای جریان‌ها که همان جغرافیای سیاسی جدید در حال شکل‌گیری است خواهند داشت. موضوع امنیت مجازی که شامل حفاظت از شبکه‌های ارتباطی، پایگاه‌های نگهداری اطلاعات و گذرگاه اطلاعاتی می‌باشد. از جمله مسائل و معضلات نوین است که می‌تواند در حوزه مأموریت‌های دولت-ملت‌ها و یا زمامداری‌های ملی و بین‌المللی قرار گیرد. شبکه عظیم حمل‌ونقل هوایی و همین‌طور شبکه ارتباطات مجازی این امکان را به شهر داده است که برای ارتباط با مراکز فراملی نیازی به طی کردن فضا و عبور از سرزمین کشور متبوعه خویش نداشته باشند. در این حالت، همزمان با دو محیط مختلف، ملی و فراملی در ارتباط قرار و نقاط تماس

بین‌المللی به شهرهای جهانی منتقل می‌شود. در شمای زیر با استفاده از شاخص آمادگی شبکه‌ای، ۱۵ کشور دارای بالاترین رتبه دیده می‌شوند. سوئد اول و سنگاپور در جای دوم قرار گرفته است.

The Networked Readiness Index 2009–2010

Country/ Economy	Rank	Score	Rank within income group*	
Sweden	1	5.65	HI	1
Singapore	2	5.64	HI	2
Denmark	3	5.54	HI	3
Switzerland	4	5.48	HI	4
United States	5	5.46	HI	5
Finland	6	5.44	HI	6
Canada	7	5.36	HI	7
Hong Kong SAR	8	5.33	HI	8
Netherlands	9	5.32	HI	9
Norway	10	5.22	HI	10
Taiwan, China	11	5.20	HI	11
Iceland	12	5.20	HI	12
United Kingdom	13	5.17	HI	13
Germany	14	5.16	HI	14
Korea, Rep.	15	5.14	HI	15

Source: www.insead.edu



Source: www.internetworldstats.com - January, 2008
Copyright © 2008, Miniwatts Marketing Group

Source: www.internetworldstates.com

ج) روند همگرایی اقتصادی و شهر جهانی: غالباً و از جمله سیاستمداران و استراتژیست‌های آمریکایی و اروپایی، پروسه جهانی‌شدن را یک روند اقتصادی تلقی می‌کردند. در استراتژی امنیت ملی آمریکا که در سال ۲۰۰۰ توسط دولت بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا تنظیم شده است، همواره واژه جهانی‌شدن با قید جهانی اقتصادی و یا جهانی‌شدن تجاری به کار رفته است.^(۱۸) اما حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ همچون نقطه عطفی باعث شد که به دامنه‌های امنیتی جهانی‌شدن نیز توجه شود. همگرایی اقتصادی و تشکیل بازار جهانی کالا، سرمایه، خدمات و نیروی کار به‌عنوان مهم‌ترین جریان و قوه محرکه جهانی‌شدن شناخته می‌شود. اما همگرایی جهانی اقتصادی بدون وقوع انقلاب الکترونیکی و پدیداری تکنولوژی اطلاعاتی غیرممکن به نظر می‌رسید. اقتصاد متکی بر صنعت مکانیک موجب شکل‌گیری واحدهای متمرکز و عظیم صنعتی شده بود. واحدهایی که مثل مجتمع خودروسازی فورد در شهر دیترویت وسعتی در حد یک شهر داشته، هزاران نفر از نیروی کار در یک محوطه به کار گرفته و به تولید انبوه مبادرت می‌نمود. همه بخش‌های کارخانه عظیم از مدیریت، طراحی، تولید، امور

مالی و بازاریابی و فروش در یک محوطه به هم پیوسته صورت می‌گرفت. از این‌رو این شکل از تولید اقتصادی به اقتصاد فوردیسم معروف گردید. اما تکنولوژی الکترونیک و برقراری شبکه‌های ارتباطی جهانی و جهانی‌شدن بازار تجارت و سرمایه و تشکیل بازارهای مالی فراملی و مدیریت شبکه‌ای و از راه دور این امکان را فراهم آورد که بخش‌های مختلف یک مجتمع تولیدی از هم جدا شده و هزینه تولید، بازار و نیروی کار و همین‌طور منابع مالی و مقررات حقوقی و مالکیتی در مکان پراکنده و دور از هم از نظر جغرافیایی توزیع شود. تولید قطعات و محصولات نهایی باتوجه به مزیت نسبی در کشورها و قاره‌های مختلف صورت گرفته و به بازارهای مقصد ارسال گردد. این نحوه تولید اقتصادی که به اقتصاد پسا فوردیسم معروف شده است وضعیت شهرها را از نظر مدیریت، بازارهای مالی و مراکز تولیدی از هم مجزا ساخته است. پاره‌ای از شهرها مراکز مالی، مدیریتی، خدماتی و علمی و تحقیقی تبدیل و جهان‌شهر و یا شهر جهانی نام گرفته و پاره‌ای دیگر دارای کارکرد تولیدی خواهند شد. این تقسیم کار در آسیا، اروپا و آمریکای شمالی در حال رخ‌دادن بوده و به تدریج در حال رسوخ به مناطق خاورمیانه، آفریقا و آمریکای جنوبی و مرکزی می‌شود. رشد اقتصادی چین و اکثر کشورهای آسیای جنوب شرقی محصول این روند است. روندی که همزمان، پراکندگی و تمرکز را با یکدیگر تجربه می‌کند و بنابر نظر خانم ساسکیا ساسن عامل اصلی شکل‌گیری شهر جهانی و جهان‌شهرها می‌باشد. وی در توضیح وضعیت جدید اقتصاد جهانی و شکل‌گیری شهرهای جهانی می‌گوید:

«سه ویژگی اقتصاد امروزی توضیح می‌دهد که چرا ۳۰ تا ۴۰ جهان‌شهر بیش از هر وقت دیگر اهمیت یافته‌اند. اول؛ «اقتصاد جهانی» یک بازار ساده نیست، بلکه به کار یک سیستم تخصصی مدیریتی نیاز دارد که در شهرها متمرکز شده است. دوم؛ خصوصی‌شدن و آزادسازی، برخی از کارکردهای حکومتی را به شرکت‌های جهانی منتقل کرده است که باز هم این امر فعالیت‌ها را متمرکز می‌کند. سوم، دیجیتالی‌شدن این معنی را در بر دارد که بخش‌های هدایتی و مدیریتی، نیازمند دسترسی به زیرساخت‌های کاملاً پیشرفته، که در مراکز تجاری عظیم یافت می‌شوند، می‌باشند. در نتیجه، به جای متروکه‌شدن شهرها در اروپا و آمریکا، وظایف فرماندهی در خویش را متمرکز کرده، به‌مثابه سایت‌هایی برای تولید نیازهای مالی و دیگر صنایع راهبردی،

دوران فراصنعتی عمل می‌نمایند و بازاری را فراهم می‌آورند که دولت‌ها و شرکت‌ها از آن‌ها مایحتاج مالی و خدماتی خویش را تدارک می‌نمایند.

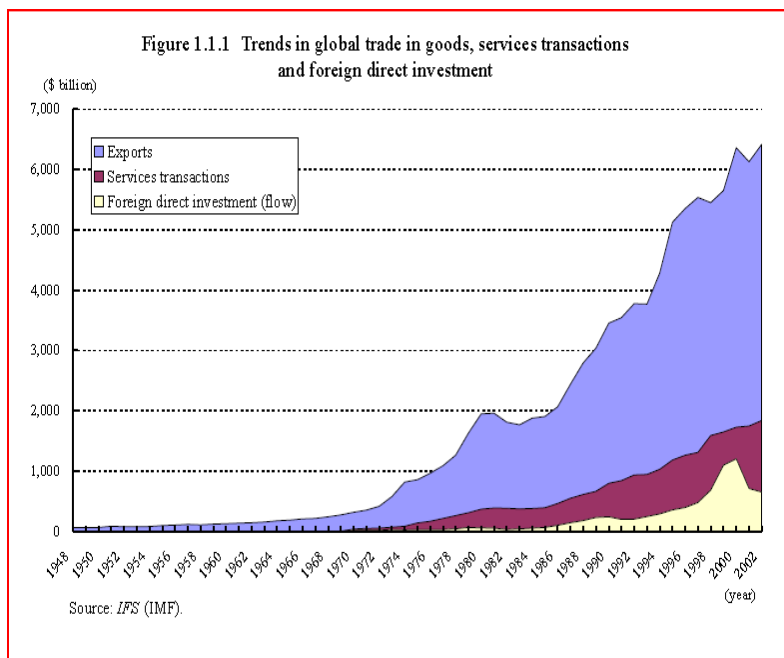
تعداد این شهرها چقدر است و یا تحول در سلسله‌مراتب آن‌ها چگونه صورت می‌گیرد و کدام دست از تحولات را نمایندگی می‌کنند؟ تماماً موضوعاتی قابل بحث و مناقشه‌برانگیز است، اما بسیاری از محققین، توافق دارند که بسیاری از شهرها در هر دو قاره (اروپا و آمریکا)، در حال حاضر به عنوان مراکز هماهنگی، کنترل و خدماتی بازار سرمایه جهانی عمل می‌نمایند. تجزیه و تحلیل جهانی‌شدن با تمرکز روی شهرها، این اجازه را می‌دهد که روندهای اقتصادی را نه به صورت مجرد در سطح ملی، بلکه در شکل پدیده‌های عینی و ملموس و واقع‌شده در مکان‌های مشخصی، مشاهده کرد. این مطالعه همچنین ملت-دولت را به چندین مؤلفه فرعی ملی تقسیم کرده و نشان‌دهنده کاهش اهمیت «اقتصاد ملی» به عنوان یک مقوله واحد می‌باشد.^(۱۹)

خانم ساسن با توضیح این که چگونه در فرآیند همکاری متقابل تکنولوژی نوین و جهانی‌شدن اقتصاد، تکنولوژی اطلاعاتی این فرصت را برای پاره‌ای از شهرها و خصوصاً شهرهای اروپایی و آمریکایی که به دلیل از دست‌دادن مزیت‌های خویش برای توسعه و سرمایه‌گذاری‌های جدید، پیش‌بینی می‌شد درخطر رکود قرار گیرند، با بهره‌گیری از مزیت‌های شبکه‌های ارتباطی و مالی، با تغییر عملکرد، موقعیت خویش را به عنوان مراکز خدماتی مالی و مدیریتی جهانی، نوسازی نمایند. نگاهی به شاخص رقابت‌پذیری در ساخت و تولید نشان می‌دهد که تنها کشور آلمان از بین کشورهای اروپای غربی همچنان در بین ۱۵ کشور بالای جدول باقی مانده است. چین، هند و کره جنوبی بالاترین نرخ رقابت‌پذیری را در ساخت در فهرست ۲۵ کشور تحت بررسی دارند. چرخه‌هایی مانند وجود نیروهای با استعداد بالا، هزینه نیروی کار و مواد اولیه، هزینه انرژی و سیاست‌های مربوطه، شبکه تأمین، پویایی تجارت محلی، نظام اقتصادی، تجارت، مالی و مالیاتی، کیفیت زیرساخت‌های فیزیکی، سرمایه‌گذاری دولتی در ساخت و نوآوری، نظام حقوقی و مقرراتی، کیفیت و در دسترس بودن بهداشت و درمان از جمله عناصر مورد نیاز برای کسب رتبه بالا در رقابت‌پذیری تولیدات می‌باشد. با توجه به نرخ بالای رشد اقتصادی و همین‌طور جمعیت انبوه انتظار می‌رود این روند تشدید شود. اگر امروزه کالاهای چینی انبارها و ویتترین‌ها را پر کرده است، دیری نخواهد پایید که کالای هندی نیز در سبد خرید ساکنان کره زمین قرارگیرد.

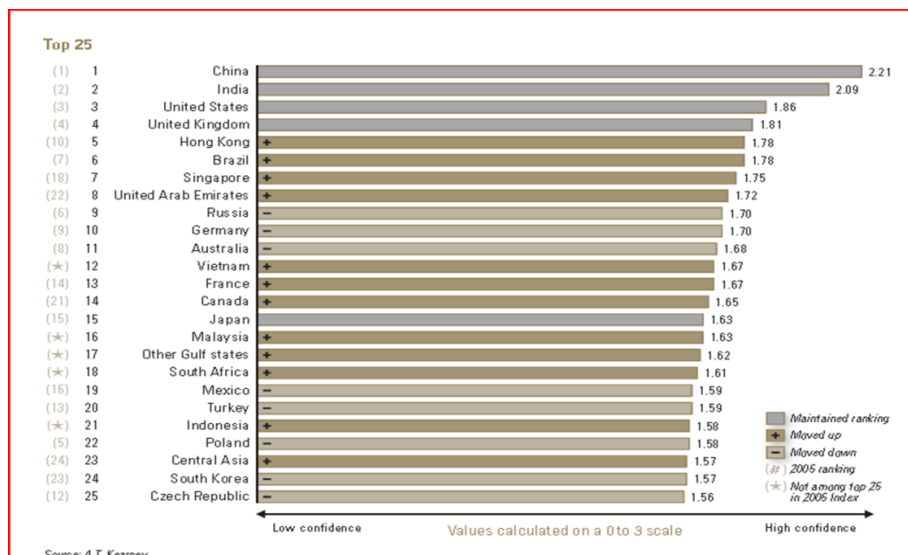
شاخص رقابت‌پذیری در ساخت و تولید جهانی در سال ۲۰۱۰^(۲۰)

ردیف	کشور	نرخ شاخص
۱	چین	۱۰,۰۰
۲	هند	۸,۱۵
۳	جمهوری کره	۶,۷۹
۴	آمریکا	۵,۸۴
۵	برزیل	۵,۴۱
۶	ژاپن	۵,۱۱
۷	مکزیک	۴,۸۴
۸	آلمان	۴,۸۰
۹	سنگاپور	۴,۶۹
۱۰	لهستان	۴,۴۹
۱۱	جمهوری چک	۴,۳۸
۱۲	تایلند	۴,۱۷
۱۳	کانادا	۴,۱۱
۱۴	سوئیس	۳,۰۷
۱۵	اتریش	۳,۰۷

بررسی روند همگرایی اقتصادی جهانی با استفاده از شاخص‌ها و آمارها نشان می‌دهد که حجم تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری و خدمات در سطوح متفاوتی به سرعت در حال افزایش است. اما بیشترین سهم از این افزایش را کشورهای آسیایی از آن خود ساخته‌اند.



در حالی که در سال ۱۹۴۸ حجم تجارت جهانی در حدود ۱۰۰ میلیارد بود در سال ۲۰۰۲ این رقم به بیش از ۶۰۰۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۷ چین از آلمان پیشی گرفت و به اولین صادرکننده جهان تبدیل شد. در خصوص سرمایه‌گذاری مستقیم نیز چین و هند جایگاه اول را در سال ۲۰۰۷ به خود اختصاص داده‌اند.



با کنار هم قراردادن روند جمعیتی و روندهای اقتصادی، رقابت‌پذیری در تولید و شاخص جذب سرمایه مستقیم خارجی به‌خصوص در منطقه آسیا، هم‌نواپی و هم‌جهتی این روندها را نشان می‌دهد. رشد شهرنشینی و شکل‌گیری اکثر ابرشهرها در این منطقه قابل پیش‌بینی می‌باشد. بیشترین رشد تولید و جذب سرمایه هم در آسیا صورت می‌گیرد. دور از ذهن نخواهد بود که جهان‌شهرها، شهرهای جهانی و ابرشهرها خصوصاً آن‌هایی که در آسیا (منهای خاورمیانه و آسیای میانه) قرار دارند به کانون‌های آتی مسائل جهانی و بین‌المللی تبدیل شوند.

د) روند زمامداری و حکمرانی و شهرهای جهانی: جهانی‌شدن، در حال متحول کردن عرصه‌های مختلف زندگی بشر می‌باشد. مناقشه‌برانگیزترین و حساس‌ترین موضوع تاریخ جوامع انسانی به احتمال قریب به یقین موضوع حکومت و به زبان امروزین حکمرانی و یا زمامداری بوده است. شیوه، ساختار و قدرت تصمیم‌گیری و اجرا، قلمروهای حقوقی و جغرافیایی و کارآمدی آن موضوع بحث زمامداری می‌باشد. دو چرخه تصمیم‌گیری و اجرا و همین‌طور دامنه‌ها و عرصه‌های آن چگونگی، کیفیت و کارآمدی آن را تبیین می‌کند. دولت‌ها هم‌اکنون با دو بحث «دامنه و عرصه‌های زمامداری» و دیگر بحث کیفیت و کارآمدی آن دست و پنجه نرم می‌کنند. بحث اول، مشخصاً از تحولات اخیر و موضوع جهانی‌شدن نشأت می‌گیرد و بحث دوم، به نحوه و

چگونگی یک زمامداری خوب و متناسب در این دوران باز می‌گردد که نحوه زندگی یک جامعه سیاسی موفق و یا ناموفق را با استفاده از معیارهای جهان‌شمول و استاندارد مورد ارزیابی قرار می‌دهد. سؤال این است که در فرآیند جهانی شدن، روند زمامداری به چه سمتی میل خواهد کرد و چه تغییراتی در شکل و محتوای آن رخ داده و یا خواهد داد؟ با شکل‌گیری بازیگران فراملیتی و از جمله شهرهای جهانی و جهان‌شهرها رابطه آن‌ها با دولت‌های ملی و مرکزی چگونه خواهد بود؟ چه تغییراتی در ساختار حقوقی و اجرایی محتمل الوقوع به نظر می‌رسد؟

روند تحولات در این عرصه، سابقه‌ای نسبتاً طولانی‌تر و حداقل از پایان جنگ جهانی دوم روند آن تسریع شده است. تشکیل سازمان ملل متحد و متعهد شدن اعضا به منشور، اعلامیه جهانی حقوق بشر و مصوبات ارکان و ارگان‌های وابسته به آن و تأثیرپذیرفتن تصمیمات و مقررات داخلی کشورها از آنچه مقررات و حقوق بین‌المللی خوانده می‌شود و همزمان شکل‌گیری کنوانسیون‌های متعدد و لازم‌الاجرا برای اعضا، دولت‌ها و حکومت‌ها را از حالت خودمختار تمام‌عیار قبلی خارج ساخت. اگرچه پذیرش و اجرای نسبی آن‌ها داوطلبانه و باتوجه به مصالح و منافع دولت عضو نهادهای بین‌المللی صورت می‌گیرد اما در عمل گریز از آن‌ها اگر غیرممکن نباشد هزینه‌های فراوان و بعضاً غیرقابل جبرانی برای کشور مزبور به دنبال خواهد آورد. اما سمت این تحولات بیشتر از محیط خارجی و بازیگران آن به سمت محیط داخلی در جریان بوده و بیشتر دولت‌ها و به‌ویژه دولت‌های کوچک‌تر بنا به دلایلی مانند منافع ملی و یا امنیت ملی و یا حتی منافع ایدئولوژیک خویش تعهدات فراملی و بین‌المللی را پذیرفته و براساس آن تعهدات و متناسب با آن‌ها تغییرات بیشتر خود خواسته و مدیریت‌شده در محیط داخلی و حتی نظام حکومتی کشور خویش به وجود می‌آورند. اکثر قریب به اتفاق مؤسسات بین‌المللی تا دو دهه اخیر بین دولتی و براساس توافق دوجانبه و یا چندجانبه بین دولت‌های مستقل و خودمختار پا به حیات گذاشته‌اند. اما در دو دهه اخیر روند دیگری شدت گرفته است. روند مؤسسات و ارگان‌هایی که بین‌کشوری و چندملیتی هستند ولی بین‌دولتی و بین‌حکومتی نیستند. به غیر از فدراسیون‌های ورزشی مانند فیفا، هم‌اکنون تعداد زیادی اتحادیه‌ها، فدراسیون‌ها و مؤسسات با عملکردهای منطقه‌ای و جهانی ایجاد شده‌اند که اعضای آن‌ها لزوماً دولت متبوعه خویش را نمایندگی نکرده و بعضاً در جهتی برخلاف سیاست‌های رسمی کشور خویش وارد مناسبات و تعهدات

فراملیتی می‌شوند و یا بنا به ایده‌ها، منافع و خواسته‌های جامعه خویش در تلاش هستند تا در روندها و مقررات بین‌المللی اثر گذاشته و یا تغییرات در حوزه‌های مورد فعالیت خویش به وجود آورند. ده‌ها هزار نهاد غیردولتی و چندین هزار شرکت و مؤسسات تجاری، خدماتی و صنعتی فراملیتی در حال ایجاد مراکز و گردهمایی‌های دوره‌ای و یا اتفاقی منطقه و بین‌المللی بوده و حاصل آن شکل‌گیری نوعی جدید از مناسبات بین‌المللی و جهانی است که لزوماً از دولت‌ها سرچشمه نگرفته ولی در نحوه و چگونگی اداره کشورها و جوامع مؤثر واقع می‌گردد، در قوانین و مقررات داخلی کشورها وارد می‌شود بدون این که امضای اولیه آن‌ها توسط دولت صورت گرفته باشد. علاوه بر این در فضای مجازی و شبکه ارتباطات آن نیز مرتباً پروتکل‌های جدیدی ابداع، توافق و به کار گرفته می‌شود که مراکز و مؤسسات حکومتی وابسته به آن نیز از آن رویه‌ها و پروتکل‌ها یا به صورت عملی و یا بعضاً پس از تبدیل به مصوبه و مقررات از آن‌ها تبعیت می‌کنند. این تحولات هم مخلوق بازیگران و کنشگران نوین است و هم به خلق بازیگران و کنشگران جدیدتر یاری می‌رساند.

از جمله بازیگران جدید شهرهای جهانی و جهان‌شهرها و شهروندان آن‌ها هستند که شبکه به هم‌پیوسته‌ای از ارتباطات در حال شکل‌گرفتن از آن‌ها می‌باشد. علاوه بر اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و گردهمایی‌هایی که از سوی شهرها، نهادها و مؤسسات شهر و مدیریت شهری تشکیل شده، تبادل تجاری، سرمایه‌ای، خدماتی، نیروی کاری، انسانی و فرهنگی بین آن‌ها صورت می‌گیرد. این مبادلات می‌تواند با هماهنگی دولت‌های ملی و یا بدون هماهنگی قبلی با آن‌ها صورت گیرد و در نهایت به یک رشته رویه‌ها و قواعد تبدیل شوند. چرا که شرکت‌های صنعتی، مالی و یا خدماتی که در این‌گونه شهرها جای گرفته‌اند، عموماً فقط دفاتر اداری و مالی آن‌ها در این شهرها قرار گرفته‌اند ولی حوزه عملیاتی آن‌ها در شهرها و مکان‌های جغرافیایی خارج از قلمرو دولت‌های متبوعه و ملی خویش قرار دارند.

به نظر خانم ساسکیا ساسن «در شرایط فعلی دو عرصه دارای ارتباط متقابل، برای دولت ملی قابل شناسایی می‌باشد یک عرصه، حوزه‌ای است که دولت‌ها در حال حاضر بدان مشغول هستند یعنی شرکت در زمامداری و اداره اقتصاد بین‌المللی، با وجود آزادسازی مبادلات و خصوصی‌سازی و علی‌رغم قدرت رو به رشد بازیگران غیردولتی می‌باشد. سئوالی که پیش می‌آید این است که آیا ممکن است نوع خاصی از

نفوذ و قدرت در اثر این مشارکت بین قدرت دولت ملی (دولت- ملت) در برخورد با روندها و بازیگران جهانی شکل بگیرد یا خیر؟ آیا دولت‌ها که در واقع یا تئوری و یا به طور اصولی، دارای آن چنان قدرتی هستند که بتوانند پلی بین سیاست‌های جهانی و خواسته شهروندانشان برقرار کنند یا خیر؟ شهروندانی که همچنان برای بهره‌گیری از توانایی‌هایشان به مقدار وسیعی به عرصه‌های ملی وابسته‌اند. اگر شرکت دولت در عرصه‌های خارجی به شکل‌گیری قواعد و نهادهایی برای جهانی شدن و ایجاد ترتیباتی برای پاسخ‌گو کردن مؤسسات و ارگان‌های جهانی باشد و بتواند خواسته‌های شهروندان خویش را در قالب قوانین و مقررات جهانی بگنجانند آن وقت می‌توان گفت که دولت ملی در این عرصه نیز نقشی حیاتی بازی می‌کند این موضوع عرصه دومی است که می‌تواند برای دولت‌های ملی در نظر گرفته شود.^(۲۱) حل‌وفصل دائمی بین قواعد محلی و قواعد بین‌المللی و جهانی از یک سو می‌تواند به محدودسازی حقوق شهروندان یک کشور منجر شده و یا از سوی دیگر باعث شود که عرصه‌های حضور و فعالیت آن‌ها گسترش یابد.

بحث دیگری که در خصوص شهرهای جهانی و جهان‌شهر وجود دارد موضوع شهروندانی است که در آنجا زندگی می‌کنند ولیکن به جامعه سیاسی و یا فرهنگی و یا مذهبی دیگر تعلق دارند. آن‌ها پس‌اندازهای خود را به قلمرو کشور مادری خویش یا سرزمین دیگری که با سرزمین مقیم و یا مادری متفاوت هست ارسال نموده و در آنجا نگهداری و یا خرج می‌نمایند و هم‌اکنون پاره‌ای از دولت‌ها شدیداً به این پول‌های ارسالی نیازمند بوده و یا به آن‌ها وابسته شده‌اند. اگرچه این‌گونه مهاجرت‌ها سابقه طولانی در عرصه ملی داشته اما این بار قضیه قدری متفاوت است چرا این فعل و انفعالات در قلمروهای حکومتی و زمامداری‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. وابستگی‌های متقابلی که به این ترتیب ایجاد می‌شود منجر به شکل‌گیری نوع جدیدی از مناسبات بین شهرها و کشورها و تحول در مقررات و سنت‌های این شهرها می‌شود. هم فعل و انفعالات درون‌شهری را دچار تحول می‌کند و هم دولت ملی را وادار می‌سازد که در قواعد و مقررات داخلی و خارجی خویش تجدیدنظر نموده و آن‌ها را نوسازی نماید. شهرها و همین‌طور کشورها عموماً از حالت تک‌فرهنگی، تک‌نژادی، تک‌دینی و یا مذهبی، تک‌زبانی خارج شده و در همه آن‌ها و حتی مراسم عمومی و سنتی تنوع پدید خواهد آمد. رسانه‌های گروهی چندزبانه و یا رسانه‌های گوناگون با زبان‌های مختلف اجازه

فعالیت یافته، مراکز فرهنگی و مذهبی گوناگون که پیشتر و برای قرن‌ها ممنوع بودند در نتیجه این تحولات نشانه‌ها و نمادهای آن‌ها در شهرها پیدا خواهد شد. اروپا سال‌ها تلاشی ناموفق در برابر این تحولات داشت. دامنه این تحولات به تدریج به سایر نقاط کشیده و جوامع محافظه‌کار و حکومت‌ها و نهادهای سنتی و محافظه‌کار را به چالش خواهد کشید.

موضوع بعدی که در نتیجه شکل‌گیری شهرهای جهانی قابل توجه خواهد بود این است که به‌طور روزافزونی شهرها در ارتباطات فراملی درگیر می‌شوند. اما شهرها و مدیریت‌های شهری فاقد قدرت امنیتی برای مقابله با تهدیدات و یا چالش‌های ناشی از تحولات جهانی شدن می‌باشند. سؤال این است که آیا همچنان حوزه فعالیت شهر، غیرنظامی و کمابیش غیرسیاسی باقی خواهد ماند؟ و اگر چنین امری بیشتر محتمل به‌نظر می‌رسد رابطه بین فعالیت‌های جهانی شهرها و امنیت ملی و جهانی چه خواهد بود. آیا تقسیم وظایفی بین دولت‌های ملی و مدیریت شهری و بازیگران غیردولتی فراملیتی در این خصوص صورت می‌گیرد و یا نظامی بین‌المللی و جهانی برای این امر شکل خواهد گرفت. یکی از این موضوعات امنیت شبکه‌های ارتباطی مجازی خواهد بود. این شبکه‌ها در عین حال که از حوزه قلمرو دولت‌های ملی عبور می‌کنند در همان حال آنچه در درون آن‌ها جریان دارد همانند یک کالای ترانزیتی و یا هوپیمای عبوری در حوزه حقوقی آن کشور قرار نگرفته و حتی برای آن‌ها قابل کشف هم نیست. در این‌جا دولت-ملت‌ها با قواعد و مأموریت جدیدی مواجه هستند. آن‌ها وظیفه دارند امنیت شبکه را تضمین نمایند اما نمی‌توانند تشخیص دهند که این کار در راستای امنیت ملی مورد قبول ایشان هست یا خیر؟ به هر حال موضوع امنیت در هر دو عرصه ملی و جهانی دستخوش تحولات بسیاری شده و خواهد شد. موضوع امنیت دسته‌جمعی و تشکیل نهاد و یا نهادهایی فراملیتی برای پاسخ‌گویی به شرایط جدید از جمله چالش برانگیزترین مباحث زمامداری در جهان پیش رو خواهد بود.

روند زمامداری در حال حرکت به سمتی است که هر روزه قواعد و مقررات محلی، ملی و منطقه‌ای به سمت استاندارد شدن و هماهنگ شدن بیشتر می‌باشد. این امر اقتضای شبکه‌ای شدن مناسبات جهانی است. در یک نظام شبکه‌ای ارتباطات نیازمند پروتکل‌های عمومی و فراگیر می‌باشد که برای همه اعضای شبکه قابل فهم و اجرا باشد. در همان اعضای شبکه نیز هم از نظر سخت‌افزاری و هم از نظر نرم‌افزاری بایستی

سامانه‌ها و محصولات آن‌ها را با این پروتکل‌ها هماهنگ نمایند. انطباق و هم‌خوانی مناسبات داخلی و خارجی، سازگاری محیط داخلی و محیط بین‌المللی، نیازمند تحول در چرخه‌های تصمیم‌گیری و اجرا در سطح ملی و مشارکت سازنده و کارآمد در سطوح جهانی است. رابطه بین سامانه‌های مدیریت کلان‌شهرها، شهرهای جهانی و ابرشهرها با دولت‌های ملی که همزمان ماهیت دوگانه ملی و جهانی دارند از جمله موضوعات مناقشه‌برانگیز و مورد بحث زمامداری در جهان پیش رو خواهد بود.

از موضوعات مورد بحث جامعه جهانی، یعنی زمامداری، حقوق بشر و مکانیسم اقتصاد بازار هم اکنون حقوق بشر و اقتصاد بازار به عنوان قواعد پذیرفته در سطح جامعه بین‌المللی تلقی شده و در تنظیم مناسبات بین‌المللی همواره مورد استناد و اجماع قرار می‌گیرد. اما شیوه تصمیم‌گیری و اجرا در سطوح فرا ملی و چندملیتی همچنان از قاعده‌ای به نام دموکراسی که قاعده پذیرفته در جوامع توسعه‌یافته در سطح ملی می‌باشد پیروی نمی‌نماید و از این لحاظ موضوع زمامداری در سطح جهانی همچنان از قواعدی غیردموکراتیک پیروی می‌کند. ناسازگاری شیوه‌های زمامداری‌های ملی با زمامداری جهانی از جمله چالش آینده جهان خواهد بود. در سطح جهانی، علی‌رغم این که در تئوری دولت‌ها دارای حقوق مساوی هستند و هر کدام دارای یک حق رأی هستند اما فرایند تصمیم‌گیری و اجرا را توان و قدرت دولت‌ها در سطح جهانی معین می‌نماید. به غیر از مجمع عمومی سازمان ملل متحد که مصوبات عموماً جنبه نمادین داشته و الزام‌آور نیستند در سایر ارکان و مؤسسات سازمان ملل و وابسته، نقش و حضور دولت‌ها که رسماً ملت‌ها را نمایندگی می‌کنند هم‌سطح و برابر نیستند. روند جهانی شدن و ورود بازیگران غیردولتی که الزاماً از قواعد جاری بین‌المللی پیروی نمی‌کنند و در تلاش برقراری قواعدی دموکراتیک در مجامع خویش هستند با ساختار مزبور ناهماهنگی دارد. شکل‌گیری نوعی زمامداری جهانی^۱ که در آن روندهای تصمیم‌گیری و اجرا، منافع و خواسته‌های بازیگران جدید را که در آینده از مناطقی غیر از اروپای سنتی و آمریکای شمالی برخاسته‌اند و علاوه بر آن دولت‌های ملی آن‌ها ضرورتاً منافع آن‌ها را نمایندگی نمی‌کنند در نظر گرفته و برآورده سازند.^(۲۲)

موضوع دیگری که در شکل‌گیری شهرهای جهانی واجد دقت نظر است، مسئله شهروندانی است که می‌توان آنان را شهروندان جهانی نام نهاد. افرادی که چندتابعیتی هستند و در عمل به جامعه خاصی تعلق ندارند. حضور آنان در جامعه و شهر مقیم، حضوری حرفه‌ای همانند حضور بازیکنان فوتبال در تیم‌های حرفه‌ای فوتبال است که می‌توانند به راحتی جابه‌جا شوند. در جام جهانی اخیر دو برادر در تیم‌های ملی دو کشور متفاوت بازی می‌کردند و بسیاری از بازیکنان تیم‌های کشورهای اروپایی دارای تابعیت اکتسابی بودند ولی با عشق و علاقه شدید برای تیم ملی کشوری متفاوت با کشور خویش بازی کردند و حتی در مقابل تیم ملی کشور مادری خویش قرار گرفتند. چندملیتی و چندتابعیتی‌شدن شهروندان یکی از مهم‌ترین قلمروهای دولت‌های ملی را به چالش کشیده و با بحران مواجه می‌سازد. موضوعاتی مانند هویت ملی به سطح عضویت اجتماعی و شهروندی تنزل خواهد یافت. این امر تسلط تمام‌عیار و بی‌چون و چرای سنتی دولت‌ها بر اتباعشان را کم‌رنگ خواهد ساخت. شهروندان یک شهر جهانی و جهان‌شهر، شهروندان تنها یک شهر نیستند و بنا به ملاحظات حرفه‌ای می‌توانند جابه‌جا شوند. جهان‌شهرها همانند تیم‌های حرفه‌ای ورزشی اشتیاق زایدالوصفی برای جذب استعدادهایی دارند که خصوصاً در جوامع کمتر توسعه‌یافته می‌یابند. در حالی که دولت-ملت‌ها همچنان در برابر اختلاط جمعیتی مقاومت می‌نمایند. حفظ و حراست از مرزهای ملی و هویتی از جمله مأموریت‌های دولت‌های ملی می‌باشد. شهرها و نهادهای شهری برای توسعه خویش هر چه بیشتر در تلاش هستند که فضایی با دامنه‌های متنوع و منعطف برای حضور در فضای جهانی ایجاد نمایند. این تحولات نیازمند زمامداری ملی با مشخصات تازه‌ای می‌باشند. امری که حاصل پدیده نوینی به نام دولت شهرها می‌باشد.

نتیجه‌گیری

رشد شهرنشینی و تشکیل شهرهای بزرگ و تبدیل برخی از آن‌ها به شهرهای جهانی و جهان‌شهرها مسیری است که از دیر باز شروع شده و هم‌اکنون وارد مراحل جدیدی شده است. ورود شهرها به عنوان بازیگران بین‌المللی و جهانی فراگرد نوینی را شکل داده، قطب‌بندی‌ها و کنش و واکنش‌های متفاوتی را پدید آورده و مرتباً تشدید خواهد کرد. چالش‌ها و فرصت‌های حاصل از روندهای جابه‌جایی جمعیت، اقتصاد، علم و تکنولوژی و زمامداری در فرایند جهانی‌شدن، همه کشورهای جهان را

تحت تأثیر قرار داده است. در هیچ کشوری از ۱۹۲ کشور عضو سازمان ملل نمی‌توان مرز دقیقی بین سیاست خارجی و سیاست داخلی ترسیم کرده و نظم داخلی و خارجی در امتداد یکدیگر قرار گرفته‌اند. در این شرایط جوامعی که دارای طرح‌ها و چشم‌انداز درازمدت با درک درست از حرکت و جهت‌گیری روندهای چهار گانه مورد اشاره، مسیر آینده خویش را انتخاب و ترسیم می‌کنند، می‌توانند در سلسله رقابت‌های سخت و نفس‌گیر پیش‌رو دستاوردهای بهتری کسب نمایند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین نیاز کشورها و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه، تلاش در جهت تحقق زمامداری خوب و شایسته برای رسیدن به جامعه خوب می‌باشد. دستیابی به استانداردهای زمامداری خوب بیش از آن که یک درخواست و مطالبه اجتماعی شود و یا بنا به الزامات روابط خارجی مدنظر قرار گیرد بایستی به فهمی حکومتی برای دولت‌ها و حکومت‌های کشورها تبدیل شده تا هزینه‌های ملی آن کاهش یافته و دسترسی به شاخص‌های آن آسان‌تر گردد. ناکامی کشورها، آن‌ها را در مسابقه رشد و توسعه، بهروزی و رفاه از دیگران عقب انداخته در شبکه‌های به هم پیوسته جهان پیش‌رو به مراتب پائین‌تر و دارای دسترسی کمتر سوق خواهد داد. شهرهای آنان در حاشیه و امتداد شهرهای دیگر کشورها قرار گرفته، به جامعه‌ای مهاجر فرست و از نظر اقتصادی تولیدی و سخت‌افزاری تبدیل خواهند شد.

یادداشت‌ها

1. A Global Perspective on the Connections between Immigration and World Cities, by Lisa Benton-Short, Marie Price and Samantha Friedman, The GW Center for the Study of Globalization-gstudynet.
org/publications/OPS/papers/CSGOP-04-32.pdf
۲. نگاه کنید به طرح جامع شهر تهران مصوب شورای عالی شهرسازی کشور ۱۳۸۷.
3. A Roster of World Cities-J.V. Beaverstock, R.G. Smith and P.J. Taylor
<http://www.lboro.ac.uk/gawc/rb/rb5.html>-
Sassen, Saskia -۲۰۰۰-. The Global City: New York, London, Tokyo. (new updated edition). Princeton University Press.
4. The Britannica Concise Encyclopedia
<http://www.britannica.com/EBchecked/topic/1357503/cultural-globalization>
5. <http://www.businessdictionary.com/definition/globalization.html>
۶. در خصوص مفهوم جهانی شدن نگاه کنید به مقاله «انسان گلوبال»، نوشته رضا اسماعیلی در آدرس: <http://www.ayandehnegar.org>
۷. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۳، پایان هزاره)، ترجمه: احد علی‌قلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان؛ ویراسته علی پایا، تهران: طرح نو، چاپ پنجم.
8. H. Schiller , Mass Communication and American Empire ,1969; and C. Hamilink , The Politics of World Communication:1994
9. B.Barber; Jihad vs. Macworld, 1995 and M. Featherstone; Global Modernities 1995
10. Mahathir bin Mohamad. Recreating Asia: Visions for a New Century, Edited by Frank-Jürgen Richter and Pamela Mar and published in September 2002.
11. The Strategic Economic Plan: Towards a Developed Nation-Published in December 1991-<http://app.mti.gov.sg/default.asp?id=885#5>
12. <http://www.nationmaster.com/statistics>
13. <http://www.eiu.com/>
14. City Mayors Statistics-<http://www.citymayors.com/statistics/richest-cities-2005.html>
15. City Mayors Statistics-<http://www.citymayors.com/statistics/richest-cities-2020.html>
16. City Mayors Statistics.
http://www.citymayors.com/statistics/urban_2006_1.html
17. Megacities: Population in 1950, 2007, and Projection for 2015
World Urban and Rural Populations, 1950-2007, with Projection to 2030,
http://www.earthpolicy.org/index.php?/books/pb4/pb4_data
18. A National Security Strategy for a Global Age –the White House, December 2000.

19. Global cities: a challenge for urban scholarship, Saskia Sassen-
www.columbia.edu/cu/21stC/issue-2.4/sassen.html
20. www.compete.org/.../2010_Global_Manufacturing_Competitiveness_Index_FINAL.pdf
21. The Participation of States and Citizens in Global Governance , SASKIA SASSEN-2003
Symposium- Globalization and Governance: The Prospects for Democracy
Indiana Journal of Global Legal Studies, Vol 10, No. 5, Issue 1
22. Global governance, participation and the public sphere
Patrizia Nanz / Jens Steffek Paper prepared for the 2003 ECPR Joint Session, Workshop 11: The Governance of Global Issues, Effectiveness, Accountability, and Constitutionalization. Edinburgh (UK), 28 March, 2 April.